

همبستگی کارگری مرز نمی شناسد!

می‌تینگ اتحادیه های کارگری در حمایت از خیزش انقلابی و جنبش کارگری در ایران

گفتگو با آکسل پرسون

از رهبران اعتصاب کارگران فرانسه

دوره انقلابی و مروری بر اوضاع سیاسی

صفحه ۹

سیاوش دانشور

تمامیت ارضی و فدرالیسم: دوروی طرح فضا سازی

ناسیونالیستی

صفحه ۱۰

رحمان حسین زاده

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

به مناسبت درگذشت رفیق عیسی

جمشیدی (عیسی سور)

نسل جدید

و جمهوری اسلامی *

منصور حکمت

اعلامیه حزب بمناسبت روز جهانی زن

در همبستگی جهانی با خیزش

انقلابی زنانه در ایران

برای یک برابری سوسیالیستی

سالگرد انقلاب ۵۷؛

شابهت‌ها و تفاوت‌ها با دوره انقلابی

کنونی

امیر عسگری

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

اطلاعیه های شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

۶۸۵

همبستگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۱ بهمن ۱۴۰۱ - ۱۰ فوریه ۲۰۲۳

تاریخ شکست نخوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

منصور حکمت

میگویند در سالهای اخیر یک روند "بازبینی" و "بازنگری" در بین انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون ایران در جریان بوده است. نگاهی به نشریات متعددی که این طیف بویژه در خارج کشور منتشر میکند به وجود چیزی از این دست صحه میگذارد، هرچند در اینکه "بازبینی" کلمه مناسبی برای توصیف این روند باشد جای تردید جدی هست. در خلوت، وقتی بیان حقیقت کسی را نمیرنجاند، میتوان این روند را یک روند ندامت توصیف کرد. اما در انظار عموم، جایی که، بویژه این روزها، نزاکت سیاسی (Political Correctness) حکم میراند، شاید کلمه "نو اندیشی" معادل بهتری باشد. یکی از اولین قربانیان این روند نو اندیشی مقوله انقلاب و انقلابیگری بطور کلی و انقلاب ۵۷ بطور اخص بوده است.

هر ماه کوهی مطلب توسط افراد و محافل و جریانات متشکل از بازماندگان و انقلابیون پا به سن گذاشته انقلاب ۵۷ منتشر میشود. خواندن و تعقیب کردن همه اینها و شریک شدن در مشغله ها و دنیا‌های ذهنی نویسندگان آنها هم عبث و هم بسیار دشوار است. اما دیدن روند "نو اندیشی" که ذکرش صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تاریخ شکست نخوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷...

رفت سخت نیست. میتوان از شیوه "تداعی معانی" که یک ابزار روانشناسی است سود جست و عکس العمل این ادبیات را به کلمات کلیدی ای، مثلا خود مقوله انقلاب، چک کرد. تصویری که بدست می آید جای ابهام باقی نمیگذارد. انقلاب: افراط، انقلاب: خشونت، انقلاب: استبداد، انقلاب: انهدام.

و چرا که نه؟ آخر چه کسی از این بازماندگان انقلاب ۵۷ هست که بتواند یک لحظه چشمانش را ببندد و به ۱۷ سال گذشته فکر کند و خاطرات شیرینی به یادش بیاید؟ میلیونها مردم به زندگی در ارتجاعی ترین و وحشیانه ترین نظام اجتماعی محکوم شدند، جامعه ای مبتنی بر ترس، فقر و دروغ بنا شد که در آن خوشی ممنوع است، زن بودن جرم است، زندگی کردن جزا است و فرار غیر ممکن است. یک نسل کامل، شاید نیم بیشتر مردم، اصلا به این جهنم چشم گشوده اند و جز این خاطره ای ندارند. و برای بسیاری دیگر، زنده ترین خاطره، یاد چهره های فراموش نشدنی انسانهای پاک است که بخون کشیده شدند. مگر نه اینست که نقطه آغاز این کابوس سال ۵۷ بود، سال انقلاب؟

شاید برای بعضی عاقبت نافرمام انقلاب ۵۷ در این روند "نو اندیشی" نقش داشته است. اما نه وسعت این ندامت و نه تلخی لحن و هیستری نواندیشان امروز، هیچیک را نمیتوان با ناکامی انقلاب ۵۷ توضیح داد. انگار کنار پلی نشسته اید و بازگشت لشکر شکست خورده ای را میبینید. غیر قابل انتظار نیست که این شکست خوردگان را محزون، مبهوت، ساکت و افسرده ببابید. اما این جماعت مشت گره کرده اند. وقتی دقیق تر گوش میکنید، میبینید انگار دارند سرودی را زمزمه میکنند، آری، اشتباه نمیکند، اینها دارند به جنگ میآیند، به جنگ "سرزمین" و "اردوگاه" و "قلعه" خود، یا بهرحال آنچه خود روزگاری چنین پنداشته و نامیده بودند. اینها دارند برای انتقام از "خود" و "خودی" های دیروز برمیگردند. برای کسی که از داخل قلعه به بیرون نگاه میکنند، این حتما منظره هولناکی است.

کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده ای چنین تلخ توسط مشتاقان دیروزش بدرقه شده است. انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوران حکومت آئنده، انقلاب پرتقال، اعتصاب معدنچیان انگلستان، برای مثال، همواره احترام زیادی نزد پیش کسوتان و شرکت کنندگان خود داشته اند. علت نو اندیشی امروز انقلابیون دیروز ایران را باید جای دیگری جستجو کرد. واقعیت اینست که همین سالها، سالهای پس از انقلاب ۵۷، در سطح جهانی مصادف با رویداد به مراتب مهمتری بود. سقوط بلوک شرق، که این اواخر دیگر فقط در تبلیغات عوام فریب ترین سخنگویان پیمانهای ورشو و ناتو و هالوترین طرفدارانشان به آن "اردوگاه سوسیالیسم" اطلاق میشد، یک زلزله سیاسی و اجتماعی بود که کل دنیا را تکان داد. نفس حذف یک قطب از جهانی دو قطبی، جهانی که همه چیزش، از اقتصاد و تولید تا علم و



هنر، برای دهها سال بر محور تقابل این دو قطب شکل گرفته بود، به اندازه کافی زیر و رو کننده بود. اما آنچه در قلمرو افکار و اندیشه تعیین کننده بود، این واقعیت بود که حاکمان جهان و گله وسیع سخنگویان و مبلغین

حیره خوارشان در دانشگاه ها و رسانه ها، توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از اینست که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرنخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر تداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند. معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنازع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم، راسیسم، مرد سالاری، قوم پرستی، مذهب، جامعه ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد.

موج "نو اندیشی" ای که بدنبال این ماجرا در سطح کل جهان براه افتاد دیدنی بود. در یک مسابقه بین المللی ندامت و خودشیرینی، فضایل دیروز عار شمرده شدند، اصول دیروز نفرین شدند و آرمانهای دیروز به ریشخند گرفته شدند. حقارت و تسلیم بعنوان معنی زندگی به کرسی نشست. در فرهنگ توأبیت روشنفکران نظم نوین، هرکس که زندگی بهتری برای هموعانش میخواست و معتقد بود که وضع موجود میتواند و باید تغییر کند، هرکس که به برابری انسانها قائل بود و به یک آینده بهتر دعویشان میکرد، هرکس که از لزوم تلاش جمعی آدمها برای تاثیرگذاری بر سرنوشت و سهمشان در جهان سخن میگفت، هرکس که دولت و جامعه را در قبال فرد و آسایش و آزادی او مسئول میدانست، از هزار و یک تریبون، خوشخیال، قدیمی، کم عقل و پا در هوا لقب گرفت. یاس نشان خرد شد، رها کردن آرمان های والای بشری واقع بینی و درایت خوانده شد. ناگهان معلوم شد که هر ژورنالیست تازه استخدام و هر استادیار تازه به کرسی رسیده و هر سرهنگ بازنشسته پاسخ غولهای فکری جهان مدرن، از ولتر و روسو تا مارکس و لنین، را دارد و کل معضل آزادیخواهی و برابری طلبی و تلاشهای صدها میلیون انسان در چند قرن اخیر، جز ائتلاف وقت بیحاصلی در مسیر رسیدن به عمارت با شکوه "پایان تاریخ" نبوده است و باید هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود.

در متن این فضای بین المللی است که انقلابیون دیروز به "باز اندیشی" پیرامون انقلاب ۵۷ و انقلابیگری بطور کلی نشسته اند؛ و نتایجی که



۱۷ شهریور، کشتار میدان ژاله تهران

تاریخ شکست خوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷ ...

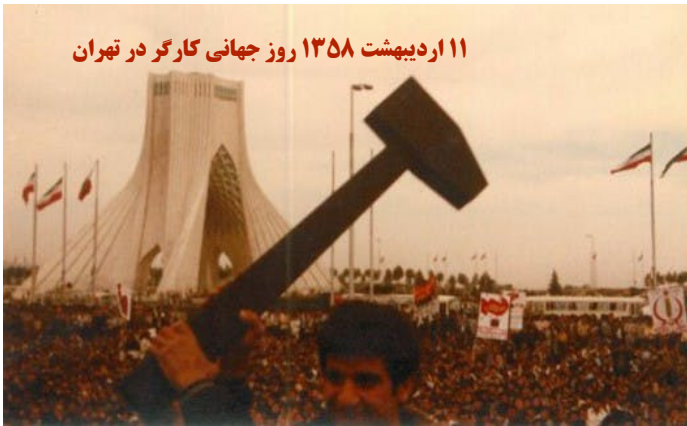
گرفته اند بیش از آنکه از ناکامی انقلاب ۵۷ ناشی بشود، مدیون روند تسمخر ایده آله و اصول در مقیاس بین المللی است که چند سالی به مد روز بدل شد.

گفته اند که تاریخ را همواره فاتحین می نویسند . اما باید افزود که تاریخی که شکست خوردگان می نویسند به مراتب دروغین تر و مسموم تر است. چرا که این دومی جز همان اولی در لباس تعزیه و نوحه و تسلیم و خودفریبی نیست . اگر تاریخ داستان تغییر است، آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست خوردگان است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخوانند و برای تغییر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده آله و امیدهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند. انقلاب ۵۷ در تاریخ فاتحین و شکست خوردگان هر دو، پله ای در عروج اسلام و اسلامیت و مسبب شرایطی است که امروز در ایران حاکم است. در تاریخ واقعی، اما، انقلاب ۵۷ جنبشی برای آزادی و رفاه بود که در هم کوبیده شد.

مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید بپای مسببین آن نوشت. مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض برخیزند. مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند. مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه ببرند. انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود. جنبش اسلامی و دولت اسلامی نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه سلاحی بود که آگاهانه برای سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسجل شده بود، به میدان آورده شد. برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلامی وجود خود را در درجه اول مدیون شبکه مساجد و خیل آخوندهای جزء نبود. منشاء این رژیم قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تشیع، بیعلاقگی مردم به مدرنیسم و انزجارشان از فرهنگ غربی، سرعت بیش از حد شهرنشینی و کمبود "تمرین دموکراسی"، و غیره نبود . این خزعبلات ممکن است بدرد کاریر شغلی "شرق شناسان" نیم بند و مفسرین رسانه ها بخورد، اما سرسوزنی به حقیقت ربط ندارد. جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم میدادند. آنها که پتانسیل رادیکالیزاسیون و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را میشناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند. آنها که به یک کمر بند سبز در کش و قوسهای جنگ سرد نیاز داشتند. برای "اسلامی" شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلماتها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیستهای همیشه باشرف دنیای دموکراسی ماهها عرق ریختند تا از یک سنت عقب

مانده، حاشیه ای، کپک زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک "رهبری انقلاب" و یک آلترناتیو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند. آقای خمینی نه از نجف و قم و در راس خیل ملاهای خر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم محروم ایران بود، اما "انقلاب اسلامی" و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آن روز. معماران این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتهای غربی بودند. همانها که امروز از درون لجنزار نسبی گرایی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی "جامعه شرقی و اسلامی" و درخور مردم "جهان اسلام" یکبار دیگر مشروعیت میبخشند. کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماهها قبل و بعد از بهمن ۵۷ برای به کرسی نشاندن این رژیم و سر پا نگاهداشتن آن بسیج شد.

اما اینکه نفس اجرای این مهندسی اجتماعی در ایران مقدور شد، مدیون اوضاع و احوال و نیروهای سیاسی و اجتماعی داخل ایران بود . ماتریال کافی برای این کار فراهم بود. حرکت اسلامی در همه کشورهای منطقه وجود داشته است. اما تا رویدادهای ایران در هیچ مقطعی این جنبش به یک جریان سیاسی قابل اعتنا و یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی این کشورها بدل نشده بود. (ضد) انقلاب اسلامی را نه به نیروی ناچیز حرکت اسلامی، بلکه روی دوش سنتهای سیاسی اصلی اپوزیسیون ایران ساختند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت ملی و باصطلاح لیبرالی جبهه ملی ساختند که از کارگر و کمونیست بیش از هر چیز هراس داشت و تمام عمرش را زیر شئل سلطنت و عباى مذهب به جویدن ناخنهایش گذرانده بود. سنتی که در تمام طول تاریخش قادر نشد حتی یک تعرض نیم بند سکولار به مذهب در سیاست و فرهنگ در ایران بکند. سنتی که رهبران و شخصیتهایش جزو اولین بیعت کنندگان با جریان اسلامی بودند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت حزب توده ساختند که ضد - آمریکایی گری بهر قیمت و تقویت اردوگاه بین المللی اش فلسفه وجودی اش را تشکیل میداد و رژیم اسلامی را، مستقل از اینکه چه به روز مردم و آزادی میآورد، زمین باروری برای مانور و مانیپولاسیون میدید. رژیم اسلام را روی دوش سنت منط ضد - مدرنیست، ضد "غرب زدگی"، بیگانه گریز، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری و روشنفکری ایران ساختند که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل میداد. خمینی پیروز شد، نه به این خاطر که مردمانی خرافاتی عکس او را در ماه دیده بودند، بلکه



تاریخ شکست نخوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷ ...



نیم بیشتر مردم ایران جوان تر از آنند که حتی خاطره گنگی از انقلاب ۵۷ داشته باشند. رابطه اینها با رویدادهای آن دوره بی شباهت به رابطه نسل انقلابیون ۵۷ با وقایع دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد نیست. دورانی سیری شده و غیر قابل لمس که ظاهراً فقط در ذهن نسل معاصر خودش زنده و مهم تلقی میشود. روایتها از آن دوران زیاد و مختلفند، اما بیش از آنکه چیزی راجع به حقیقت تاریخی بگویند، راجع به خود راوی و مکانش در دنیای امروز حکم میدهند. انسان همیشه از دریچه امروز به گذشته مینگرد و در آن در جستجوی یافتن تائیدی بر اراده و عمل امروز خویش است. نواندیشان ما نیز در نگاه به انقلاب ۵۷، در پی برافراشتن پرچمی در ایران ۷۵ هستند. اما این پرچم همیشه وجود داشته است. اینکه هر بار چه کسی، با چه تشریفات و با زمزمه چه اوراد و آیاتی، زیر این پرچم حضور به هم میرساند مساله ای ثانوی است.

انتشار اول: فصلنامه نقطه، شماره ۴ و ۵، زمستان ۷۴ و بهار ۱۳۷۵
این مقاله مجدداً در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در نشریه انترناسیونال شماره ۲۹ منتشر شد.
به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۴۰-۲۱ بهمن ۱۳۷۹ - ۹ فوریه ۲۰۰۱

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را

همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!

به این خاطر که اپوزیسیون سنتی و این فرهنگ منحنط ملی و عقبگرا، او را، که در واقع وارداتی ترین و دست سازترین شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران بود، "ساخت ایران"، خودی و ضد غربی تشخیص داد و به تمجیدش برخاست. ضد انقلاب اسلامی محصول این بود که ابتکار عمل در صحنه اعتراضی از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران صنعت نفت و صنایع بزرگ، به دست اپوزیسیون سنتی ایران افتاد. اینها بودند که پرسوناژ خمینی و سناریوی انقلاب اسلامی را از غرب تحویل گرفتند و عملاً به توده مردم معترض فروختند.

علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمن نشان داد که دینامیس انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هرچه بر زبانشان انداخته شده بود، بهرحال نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند. بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی بسیار خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبید و حلقه بعدی آن است. خمینی، بازرگان، سنجابی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی صدر، رجایی و بهشتی، نامهایی هستند که باید بدنبال مجد رضا پهلوی، آموزگار، شریف امامی، بختیار، اویسی، از هاری و رحیمی آورده شوند، بعنوان مهره هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه میآیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره های رنگارنگش در مقابل ضربات پی در پی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد، نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دو رژیم یک چیز بود.

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

همبستگی کارگری مرز نمی شناسد!

میتینگ اتحادیه های کارگری در حمایت از خیزش انقلابی و جنبش کارگری در ایران

کارگران فرانسه در حمایت از جنبش کارگری ایران سابقه قدیمی دارند و خیزش انقلابی در ایران را با علاقه دنبال می کنند.

در کانادا "اتحادیه کارگران خدمات عمومی آنتاریو" در "همبستگی با جنبش کارگری ایران و قیام زن زندگی آزادی" جلسه ای برگزار کرد که طی آن نیلوفر گلکار عضو کمیته اجرایی اتحادیه کارگران خدمات عمومی و شیوا عاملی راد از فعالین جنبش معلمان از سخنرانان این نشست بودند.

در آلمان اتحادیه "د گ ب" روز ۷ فوریه بیانیه ای صادر کرد و ضمن دفاع از کارگران و معلمان زندانی و انتشار اسامی آنان از حرکت انقلابی و زنانه در ایران و اهداف جنبش کارگری دفاع کرد. همینطور امروز کمونیست های ایران در مقابل دفتر د گ ب آلمان تظاهرات اعتراضی در حمایت از اقدام اتحادیه های کارگری در دفاع از جنبش کارگری و خیزش انقلابی در ایران برگزار کردند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به دست اندرکاران و شرکت کنندگان در اجتماعات امروز در دفاع از خیزش انقلابی و جنبش کارگری ایران درود میفرستد و دست شان را بگرمی میفشارد. در شرایطی که اپوزیسیون راست و بورژوائی ایران تلاش دارد با حمایت دولتها و لابی های فاسد سرمایه داری از خیزش انقلابی سوءاستفاده کند، این اقدام بین المللی کارگری در حمایت از طبقه کارگر و خیزش انقلابی ارزشمند و حیاتی و یک نیاز مبرم جنبش انقلابی است.

مهمترین مسئله روز جهانی زن امسال، خیزش انقلابی و زنانه در ایران است. فراخوان ما اینست که مناسبت روز جهانی زن، ۸ مارس را به روز بین المللی حمایت از خیزش انقلابی و امر آزادی و برابری زن و مرد و جنبش کارگری ایران و راه حل کارگری و سوسیالیستی تبدیل کنیم.

پرتوان باد همبستگی جهانی کارگران!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ بهمن ۱۴۰۱ - ۸ فوریه ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

کمک مالی کنید!

امروز ۸ فوریه برابر با ۱۹ بهمن، اتحادیه های کارگری در حمایت از خیزش انقلابی و جنبش کارگری در ایران در کشورهای مختلف اجتماعی برگزار کردند. در انگلستان با ابتکار رفیق جمال دشتی و تلاش جان مک دانالد از نمایندگان جناح چپ حزب لیبر در پارلمان بریتانیا، در تاریخ ۲۸ نوامبر "کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران" شکل گرفت و نهادها و فعالین چپ سوسیالیست وارد آن شدند. این اقدام که از انگلستان شروع شد بسرعت بین المللی شد و در کشورهای دیگر اتحادیه های کارگری از این ابتکار حمایت کردند. براساس اقدامات این کمیته امروز ابتدا تظاهراتی مقابل پارلمان انگلیس برگزار شد. این اجتماع با حضور فعال کمونیست ها و سوسیالیست ها و نمایندگان حزب کارگر و فعالین اتحادیه های کارگری خدمات اجتماعی و حمل و نقل برگزار شد و طی آن از جمله جان مک دانالد رئیس کمیته همبستگی و سپس جرمی کوربین و ریچارد برگن از نمایندگان پارلمان سخنرانی کردند. از دیگر سخنرانان این اجتماع رفا آذر ماجدی، هلاله طاهری، دیانا نامی، ستار رحمانی، فریبرز پویا و الماس فرضی بودند. در ادامه میتینگ بزرگی در درون پارلمان برگزار شد و کمونیست ها و فعالین جنبش کارگری در این بحث فعالانه دخالت کردند. در نشست پارلمان از جمله تصویب شد که در روز جهانی زن یک حرکت بزرگ در دفاع از خیزش انقلابی ایران برگزار شود، دولت بریتانیا را برای بستن سفارت جمهوری اسلامی و اخراج دیپلماتها تحت فشار قرار داده شود و در مقابل تحرکات جریانات دست راستی از تحرک رادیکال و برابری طلب در ایران دفاع شود.

در دانمارک با ابتکار "کمیته زن زندگی آزادی" و رفیق ناهید ریاضی اتحادیه ها و سازمانهای زنان از جمله؛ "کنفدراسیون اتحادیه های کارگری 3F"، "اتحادیه کارگرات خدمات HK"، "اتحادیه کارگری FEA"، "اتحادیه سراسری مربیان کودک LFS"، "اتحادیه معلمان کپنهاگ"، "سازمان سراسری زنان دانمارک (شورای زنان)"، "شورای سراسری دانشجویان دانمارک"، "اتحادیه متخصصین IT"، "اتحادیه آکادمیک ها"، "اتحادیه پرستاران"، "اتحادیه مشاوران اجتماعی"، "اتحادیه کارگران رشته برق و الکترونیک لوکال کپنهاگ" و "اتحادیه تکنیسین های استان کپنهاگ و بنهالم" از این حرکت حمایت کردند. در دانمارک چهار خواست در اجتماع امروز برجسته بودند: ۱- لغو فوری مجازات اعدام ۲- آزادی زندانین سیاسی ۳- آزادی اجتماعات و ۴- رفع تبعیض جنسی و حجاب. در نروژ و سوئد اتحادیه های سراسری کارگران این کشورها "ال او" حمایت خود را از این اقدام اتحادیه ای و کارگری اعلام کردند.

در فرانسه به ابتکار آکسل پرسون از رهبران "ت ژ ت" و اعتصاب بزرگ جاری در فرانسه و چند اتحادیه دیگر، اول صبح کارگران مقابل سفارت آدمکشان جمهوری اسلامی دست به اجتماع و اعتراض زدند.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعلامیه حزب حکمتیست

در همبستگی با مردم مصیبت دیده ترکیه مقصر طبیعت است یا نظم کنونی؟



مردم محروم ترکیه بار دیگر قربانی یکی از سهمگین ترین زلزله های تاریخ این کشور شدند. در بامداد و ظهر روز دوشنبه دو زلزله به قدرت ۷.۸ ریشتر و ۷.۵ ریشتر جنوب ترکیه را درنوردید، از استان قهرمان مرعش شروع و ۹ استان دیگر ترکیه و مناطقی از سوریه را لرزاند. این دو زلزله روز دوشنبه با ۱۸۵ پس لرزه از جمله پس لرزه های سنگین ۶ و ۶.۷ ریشتری همراه شد و خسارات جانی و مالی فراوانی ببار آورد. آمارهای اولیه تلفات جانی و مصدومین عصر دوشنبه سرعت افزایش یافت و در بامداد سه شنبه رئیس سازمان مدیریت حوادث غیرمترقبه ترکیه، شمار تلفات زلزله را ۲۳۱۶ کشته و ۱۳ هزار و ۲۹۳ مجروح اعلام کرد. آمار تلفات زلزله در سوریه امروز به بیش از ۹۶۰ کشته و ۲۵۰۰ مصدوم رسیده است. ۶۲۱۷ ساختمان در شهرهای زلزله زده در جنوب ترکیه تخریب شدند و تاکنون حدود ۷۸۴۰ نفر از زیر آوار نجات پیدا کرده اند. اخبار از زیر آوار ماندن حدود صد هزار نفر میگوید و کارشناسان از تمام شدن زمان جستجو و خطر سرمازدگی زیرآوارماندگان سخن میگویند.

ایمن کرد، جان مردم و شهروندان را در اولویت قرار داد. توجیحات خرافی و مذهبی در مورد بلایای طبیعی برای دولتهای اردوغان و جمهوری اسلامی، برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت این جنایات بزرگ است. دولتهایی که اسکان مردم را بدون امنیت در مناطق زلزله خیز بحال خود رها می کنند، در این فجایع شریک و مسئول اند. اعلام عزای عمومی جان و زندگی نابود شده هزاران انسان بیدفاع را جواب نمیدهد. قهر طبیعت قابل مهار است، مقصر نظم جنایتکار کنونی است که جان شهروندان را وثیقه تامین منافع خود کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن اعلام همدردی عمیق انسانی با مردم زحمتکش و داغدیده در ترکیه و سوریه، نظام و دولتهای حاکم سودپرست و ضد انسان را مسئول فجایع کنونی میداند. دولت موظف به تامین فوری نیازهای زلزله زدگان و استفاده از همه امکانات برای نجات سریع تر زیرآوارماندگان در فرصت باقیمانده است. مردم در کشورهای مصیبت دیده ایران و ترکیه و سوریه درد مشترک و دشمنان مشترکی دارند و برای رهایی ناچارند این حکومتهای ارتجاعی را سرنگون کنند.

زلزله در خوی و استانهای جنوب ترکیه و سوریه در یک هفته اخیر، تلفات وحشتناکی که در ترکیه و سوریه به همراه داشته و مشقاتی که برای زلزله زدگان در سرمای سخت زمستان ایجاد کرده است، با "بلایا و قهر طبیعت" و هجویاتی مانند "امتحان الهی" توضیح داده میشود. چه کسی نمیداند که علم و دانش مدتهاست قادر به مهار زلزله و دستکم توقف تلفات وسیع آنست؟ چرا در ژاپن و کشورهای زلزله خیز تلفات زلزله نداریم یا بسیار محدود است و در ایران و ترکیه و کشورهای تحت فقر و استبداد تلفات زلزله مانند تلفات یک جنگ تمام عیار است؟ ممکن و مقدور است که ساختمان و مسکن در مناطق زلزله خیز را

همبستگی و همیاری با زلزله زدگان را گسترش دهیم!

مرگ بر سرمایه داری!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۸ بهمن ۱۴۰۱ - ۷ فوریه ۲۰۲۳

وضعیت فاجعه بار مردم خوی



مردم زلزله زده خوی میان سرما و بدون امکانات اولیه گیر افتاده اند. آنها میگویند مسئولین و فرمانداری هیچ کاری انجام ندادند و تاکنون با کمکهای مردمی دوام آورده اند و کودکان دچار تب و مریضی شدند. این در حالی است که کمکهای ارسالی رژیم به سوریه یک روز بعد رسیدند اما به خوی نرسیدند. مسئله ایران و سوریه نیست، باید همه جا بداد مصیبت دیدگان شتافت. اما رها کردن مردم خوی میان سرمای سخت زمستان و سرکوب اعتراضشان جنایت دولتی است. مردم خوی بدلیل پس لرزه ها دارند تدریجا شهر را ترک و آواره می شوند. در این اوضاع همیاری و تلاشهای انسانی نیز با ممانعت حکومت و مصادره کمکها روبرو شده است. زلزله خوی تنها کارنامه جنایت حکومت را سنگین تر کرد و بدون تردید پاسخ آنرا خواهد گرفت.



گفتگو با آکسل پرسون از رهبران اعتصاب کارگران فرانسه

کمونست هفتگی: اعتصابات میلیونی کارگران فرانسه علیه طرح جدید بازنشستگی شورانگیز است و از جمله مورد توجه جنبش کارگری و خیزش انقلابی در ایران است. این اعتصاب چه پیشینه ای دارد و کارگران چه خواسته های مشخصی دارند؟

در پارلمان حائز اکثریت نیست و حتی حزب های راست گرا نیز به دلیل اعتصابات و تظاهرات اخیر با تردید به این مساله نگاه می کنند.

اما موانع اصلی که می توان آن ها را ذکر کرد شامل دو مورد هستند:

مورد اول، بدبینی رایج بین کارگران نسبت به تداوم مبارزه که نتیجه ی پروپاگاندای دولت و مورد دوم مساله رهبری جنبش و سیاستگذاری جهت رسیدن به اعتصابات گسترده و فلج کننده است. همچنین با تضعیف جنبش کمونیستی در فرانسه طی ۳۰ سال گذشته و به طبع آن تضعیف اتحادیه های کارگری مسائل پیچیدگی بیشتر پیدا کرده اند. در این میان اتحادیه CGT با قدرت و نفوذی که در میان کارگران بخصوص در بخش های راه آهن، نیروگاه های هسته ای، پالایشگاه و بندرها دارد، جزو قدرتمندترین اتحادیه های مبارز محسوب می شود. هرچند اتحادیه CGT هنوز در بخش هایی مانند کارگران رستوران، سوپرمارکت ها و غیره مشکلاتی دارد و این مساله واضح و روشن است که برای پیروزی به حضور همه ی کارگران نیاز داریم.

کمونست هفتگی: روز ۸ فوریه در فرانسه و چند کشور اروپایی از جمله بریتانیا و آلمان و دانمارک، سندیکاهای کارگری روز همبستگی با جنبش کارگری ایران و خیزش انقلابی اعلام کرده اند. پیام شما در این حرکت چیست؟

اکسل پرسون: در همبستگی با زندانیان سیاسی و صنفی در ایران، تظاهرات سراسری توسط اتحادیه های کارگری در سراسر اروپا برگزار شد. این تظاهرات در پاریس درست در کنار سفارت ایران برگزار شد. پیام ما در این حرکت این است که دوستان ما در ایران تنها نیستند و اتحادیه هایی هستند که جهت حمایت از این مبارزان از همه ی توان خود استفاده کنند. شعار تاریخی جنبش کارگری این است که کارگران جهان متحد شوند. این شعار را باید عملی کرد و نه این که صرفا به عنوان شعار از آن استفاده کرد.

کمونست هفتگی: از نظر شما تفاوت حمایت کارگران با اظهارات دولتها و پارلمانها چیست؟

اکسل پرسون: ماکرون نماینده منافع یک اقلیت کوچک سرمایه داری شامل بانک ها، بیمه ها و شرکت ها هستند و سیاست های او برخلاف منافع اکثریت قریب باتفاق جامعه که متشکل از کارگران

اکسل پرسون: ما این جنبش را از ۱۹ ژانویه با اعتصاب و تظاهرات گسترده ی کارگران بخش خصوصی و دولتی، و همچنین همراهی دانش آموزان آغاز کردیم. همه ی ما با یک هدف اصلی متحد گرد هم آمدیم: اعتراض به افزایش دوساله ی سن بازنشستگی.

کمونست هفتگی: معنی پیروزی اعتصاب از نظر شما چیست؟

اکسل پرسون: پیروزی برای ما به معنی وادار کردن دولت به انصراف از اجرایی کردن این طرح است. دولت در سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تلاش کرد تا طرح مشابهی را عملی کند اما با مخالفت و اعتصاب ۵۶ روزه ی گسترده ای از طرف مردم مواجه گردید و در نتیجه موفق به اجرای این طرح نشد.

کمونست هفتگی: چه برنامه ای برای تداوم و گسترش اعتصاب دارید؟ تاکنون حمایت های داخلی و بین المللی چگونه بوده است؟ چه انتظاری دارید؟

اکسل پرسون: در حال حاضر استراتژی ما این است که دامنه ی اعتصابات و تظاهرات را در میان طیف های مختلف جامعه گسترش دهیم تا بتوانیم با سازمان دهی اعتصابات فلج کننده در بخش های اساسی به ویژه بخش های اقتصادی، از این موقعیت به عنوان یک اهرم قدرتمند در مقابل دولت و البته به طریق اولی بر علیه سرمایه داری در راستای هدف خود بهره مند شویم.

خوشبختانه از اولین روز های این جنبش، پیام های حمایت بسیاری از طرف اتحادیه های کارگری در سرتاسر جهان دریافت نمودیم و حالا که در این نقطه ایستاده ایم با اطمینان به این مطلب ایمان کامل داریم که اگر در ادامه ی اعتصابات به حمایت های بیشتری در زمینه های مختلف از جمله مالی نیاز داشته باشیم قطعا رفقایمان در سراسر جهان از ما حمایت خواهند کرد.

کمونست هفتگی: مواضع مخالف اعتصاب میان جریانات سیاسی دولتی و غیر دولتی کدامند؟ چه موانعی بر سر راه دارید؟

اکسل پرسون: قطعا تمام اتحادیه های کارگری از این جنبش حمایت می کنند. از طرفی، دولت تمام قد در مقابل ما ایستاده است اما دولت ماکرون

گفتگو با آکسل پرسون

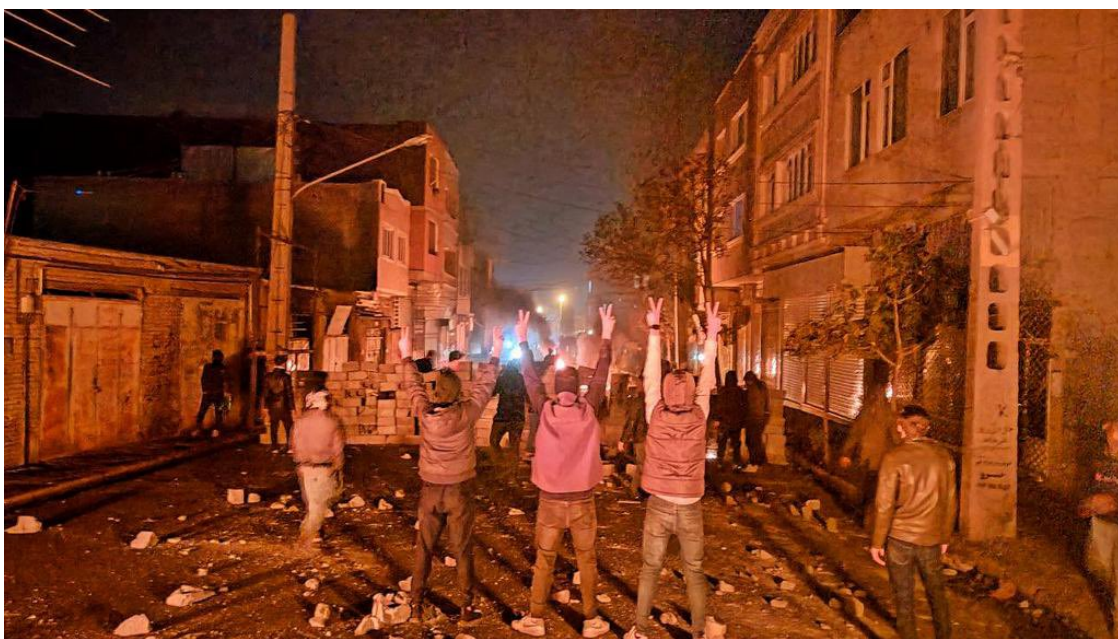
از رهبران اعتصاب کارگران فرانسه ...

است می باشد. به وضوح کارگران منافعی متضاد با کسانی دارند که او نماینده آنهاست. جایی برای مذاکره یا گفتگو وجود ندارد، این رویارویی است که در آن لزوماً یکی برنده و دیگری بازنده خواهد بود.

کمونیست هفتگی: اگر نکته ای دارید اضافه کنید و یا صحبتی با کارگران و مبارزان انقلابی در ایران دارید بفرمایید.

اکسل پرسون: تاریخ کارگران ایران مملو از اعتصابات، تظاهرات و حتی انقلاب است. حتی اگر کشورهامان با همدیگر فاصله دارند، ما شباهت های زیادی داریم. تا جایی که ما هر دو در تاریخ های خود پادشاهانی را سرنگون کرده ایم، اگرچه این اتفاق در شرایط تاریخی بسیار متفاوتی رخ داده است. اهمیت ایران در خاورمیانه بسیار مهم است. آنچه در آنجا اتفاق بیافتد پیامدهایی را در سراسر منطقه و در کل جهان به دنبال خواهد داشت. چه در فرانسه و چه در ایران، کسانی که قدرت واقعی برای دگرگونی جامعه را دارند کارگران هستند. بدون ما هیچ نفتی استخراج، حمل و نقل و فروخته نمی شود. حتی یک هواپیما یا قطار نمی تواند حرکت کند. بدون ما هیچ کاری انجام نمی شود. وقتی به قدرت عظیمی که می توانیم با هم داشته باشیم ایمان پیدا کنیم، هیچ چیز یا هیچ کس نمیتواند ما را متوقف کند. این هم در ایران و هم در فرانسه صادق است.

کمونیست هفتگی: با تشکر و آرزوی پیروزی اعتصاب شکوهمند شما.



نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

دوره انقلابی

و مروری بر اوضاع سیاسی

سیاوش دانشور

بوق های تبلیغاتی حکومت میگویند که بر "غانله و اغتشاش" فائق آمده اند. چرند میگویند، هیچ چیز عوض نشده است. حکومت در وحشت مرگ است، سرکوبش دیگر نمیتواند روح سرکش یک جامعه انقلابی را درهم شکنند. اعدام و شکنجه و تجاوز و بازداشت های فله ای جواب نداد. آزادی چند صد نفر و مضحکه "عفو" قاتل اعظم را حتی نمیتوان مُسکنی بر درد عمیق جامعه تلقی کرد. فقر و فلاکت و گرانی بیداد میکند، حکومت از هر لحاظ به اعتراف بهترین دلسوزان نظام در بن بست و در آستانه فروپاشی است. برف و سرمای زمستان را باید آنتراکتی کوتاه تلقی کرد. همین امروز همه جا حکومت نظامی اعلام نشده برقرار است. حتی از تجمع بر سر مزار عزیزان جانباخته ما می ترسند. زندان که مرکز ثقل قدرت حاکمیت است، به محیط فریاد انقلابی تبدیل شده است. این جامعه ای است که برآستی چیزی برای از دست دادن ندارد. جرم انفجاری که تلمبار شده برای دود کردن چند حکومت کفایت میکند.

اپوزیسیون راست از حاشیه حکومتی و بیرون حکومتی، علیرغم پول دولتها و امکانات بی حساب و تولید انبوه دروغ و جعل در رسانه های قلم به مزد، درجا میزند و هر روز اقتضای بیار میاورد. شکست پشت شکست سرنوشت هر پروژه آنها بوده است. بی اعتمادی جامعه و پاسخ به آنها عیانتر از آنست که بشود انکار کرد. بی فرهنگی و عدم تحمل مخالف سیاسی، رژه فاشیسم و استبداد و تحجر، نمایش نوکر صفتی و دستبوسی، ماکدی کوچک از تصویر آینده ای است که جستجو می کنند. از نظر روش سیاسی راست ایران بشدت توطئه گر و کودتاجی و دیکتاتورمنش است که تحمل نزدیکترین مونتلفین خویش را هم ندارد. جریاناتی که شفافیت سیاسی برایشان سم است و از فرهنگ تحزب و انتخاب مردم در شرایط آزاد وحشت دارند. در قرن بیست و یکم، تصویر آنها از سیاست هنوز در دوره قاجار و خانخانی های منسوخ شده و دربار شاهان سیر میکند. کسی نمیداند سرانجام پروژه ها و ائتلاف ها و وعده وعیدها و جنجال های پوک رسانه ای شان چی شد؟ اینها حتی خود را متعهد به گزارشی به جامعه و چرائی شکست بند و بست شان نمی دانند، تصور اینکه اگر واحه ای بدست شان بیافتد چه رفتاری با مردم خواهند داشت سخت نیست.

در این اوضاع است که عناصر امتحان پس داده و جنایتکار حکومت، امثال میرحسین موسوی و خاتمی و دیگران امکان ابراز وجود پیدا می کنند و جریان سازی فیک رسانه ای و سیاسی توسط جنبشی که با همین عناصر جنایتکار منفعت مشترکی دارند راه می افتد. بورژوازی ایران کمابیش حرف یکسانی میزند، همه شان علیه روند انقلابی و اهداف انقلابی هستند.

کدام سیر سیاسی از نظر اینان
مطلوب است؟

اصلاحات: مرده را نمیتوان زنده کرد، در جایی که منادیان اصلاح طلبی اسلامی آنها با تاخیری پنج ساله از غارشان ندای بن بست و شکست اصلاحات را سر میدهند، سخن از "اصلاح امور" تنها موجب مزاح مستمعین است. در دوره انقلابی "اصلاحات" و "اجرای

قانون اساسی" و امثالهم، شلیک تیر در تاریکی است. بنی احمدهای اسلامی سرنوشت متفاوتی نخواهند داشت. جامعه ای که وارد پروسه سلب و انقلاب شده است، از روندهای ماقبل انقلابی عبور کرده است.

دولت انتقالی: وقتی خواست سرنوشتی در جامعه و نخواستن حکومت مسجل است، در شرایطی که مهار قدرت هر روز از جایی از دست قدرتمداران خارج میشود، حتی اگر جامعه ساکت باشد تغییر در بالا برای نجات اساس نظام ضروری خواهد شد. مباحثی مانند "اصلاح یا بازویسی قانون اساسی" و "تشکیل مجلس موسسان" و "انتخابات آزاد"، در اساس طرح های حل بحران نیستند بلکه راه هائی برای مهار بحران انقلابی اند. خاکریزهائی که طبقه و حاکمیت بورژوائی در سیر عقب نشینی در مقابل امواج انقلاب تعبیه می کند. هدف اساسی این طرحها قیچی کردن مردم از روند سیاسی و تلاش برای "مدیریت" جنبشی است که از خروجی آن بیمناک اند.

برای اینکه جمهوری اسلامی و حاکمیت بی اعتبار و پوسیده با قدرت انقلابی و توده ای و کارگری تماما سرنگون نشود، بورژوازی نیازمند قربانی کردن عناصر و چه بسا لایه ای از مسئولین است تا بتواند با هرس کردن جزء، کل عمارت و نظام سرمایه داری را از گزند انقلاب مصون بدارد. در این اوضاع باید از "مجلس ملی" و "مجلس موسسان" با ماموریت تدوین قانون اساسی و یکسری خواستههای عام و مبهم و بازدارنده سخن گفت: "تأمین نجات و امنیت کشور!" "ایجاد اعتماد و تضمین حقوق مردم!" "انتخابات آزاد!" "سکولار دموکراسی" و ... اما این وعده های ملوکانه مانند پارازیت در وسط یک ارکستر باشکوه است. معنای واقعی این مقولات بی خاصیت و هدفدار، تنها روانه کردن مردم به منزل هایشان، سپردن اختیار به تعدادی وکیل الرعایا، ممانعت از دخالت مستقیم و مستمر شهروندان در سیاست، مصون نگهداشتن بورکراسی و ماشین دولتی سرکوب، و مهمتر از همه ممانعت از تعرض کارگران به مالکیت بورژوائی و بازسازی نظم کهنی است که فی الحال زیر سوال و مورد هجوم انقلاب است.

شکل دادن به دولت انتقالی با ترکیبی از بورژوازی ایران با اتکا به لایه ای از حکومتی ها و اپوزیسیون مجاز که در ایندوره سوپر مخالف و چه بسا "انقلابی" شوند، همراه با نظامیانی که باید وظیفه "تأمین امنیت سرمایه و سرمایه داری" را بعهده گیرند، بسیار حیاتی است. امری که از رضا پهلوی تا ناسیونالیست ها و اصلاح طلب های دیروز رژیم تا خودمدیرپندان از آن بعنوان جلوگیری از "هرج و مرج" صفحه ۱۱

برابری یک برابری سوسیالیستی!



شونیسیم ایرانی در راستای تحمیل و تثبیت حاکمیت استعمارگرانه و ستمگرانه بورژوازی عظمت طلب بوده است. بر همین اساس شاهد کودتای رضا خان پدر بزرگ همین رضا پهلوی در سال ۱۲۹۹ شمسی بودیم. کارکرد این پلاتفرم و شعار شونیسیتی، تقدیس و ترجیح زمین و خاک و ارض در مقابل انسان و حقوق پایه ای

انسانها و زیرپا گذاشتن منافع مردم، زیر پوشش "منافع ملی" و اعمال ستم در سراسر کشور، برپاکردن زندان و اعدام و شکنجه و لشکرکشی و جنگ و قتل عام و کشتار در جای جای ایران و اعمال تبعیض و نابرابری، از جمله تبعیض و ستمگری ملی بوده است. عملکرد جنایتکارانه ای که در طول حاکمیت سلطنتی و سپس جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرد. در نتیجه نسل جوان جامعه و همه نیروهای مترقی و آزادیخواه لازمست متوجه باشند پلاتفرم و فرمول "تمامیت ارضی" و به جنگ طبیدن "تجزیه طلبان" حرکتی هدفمند از جانب ناسیونالیسم عظمت طلب ایران برای برجسته کردن و لانس کردن آلترناتیو راست بورژوا پروغری در جدال آلترناتیوها و در شرایط سیاسی امروز ایران است. این حرکت تماماً ضد کارگری و ضد مردمی، و به همین اعتبار لازمست با آن مقابله شود.

فدرالیسم: نسخه جنگ و خونریزی!

در مقابل تبعیض و سرکوب و ستمگری ملی دولتهای مرکزی سلطنتی و جمهوری اسلامی، مقاومت و ایستادگی حق طلبانه مردم تحت فشار شکل گرفته است. به ویژه در کردستان به کشمکش سیاسی و نظامی حاد کشیده شده است. در بطن چنین اوضاعی طبقات دارای جامعه کردستان و در دوره معاصر بورژوازی کرد و احزاب مربوطه آن برای شریک شدن در قدرت سیاسی، و نه برای احقاق حقوق مردم و نه برای رفع قطعی تبعیض ملی در مقابل دولتهای مرکزی به سیاست "جنگ و مذاکره" و آمادگی برای بند و بست با بورژوازی مرکزی روی آورده اند. شعار و پلاتفرم "فدرالیسم" که قبلاً و سالیان متمادی به نام "خودمختاری" مطرح میشد، به این منظور تعبیه شده است. در نتیجه فدرالیسم طرحی برای رفع تبعیض ملی و برچیدن ستم ملی نیست، بلکه به زعم خودشان با به رسمیت شناسی دسته بندی "ملت بالا دست و پایین دست" و به نظرم تقسیم مردم به شهروند "درجه اول و درجه دوم" طرحی برای نهادینه کردن تبعیض و ستم ملی و لاجرم ماندگار کردن شکاف ملی است. به همین دلیل به راه حل کارساز حل مسئله ملی و پایان دادن به ستم ملی که همانا مراجعه به آرای مردم در یک فرآیند به رسمیت شناخته شده بین المللی و رأی دادن به جدایی و تشکیل دولت مستقل در کردستان و یا ماندن در چهارچوب کشوری با تضمین حقوق شهروندی مساوی که ما کمونیستها مطرح میکنیم، نه تنها نماند، بلکه دشمنی میکنند.

فدرالیستها برای توجیه فلسفه وجودی خود به نهادینه کردن این شکاف و دسته بندی و ماندگاری تبعیض ملی احتیاج دارند.

تمامیت ارضی و فدرالیسم: دوروی طرح

فضا سازی ناسیونالیستی

رحمان حسین زاده

با درود به حاضرین و قدردانی از رفقای سازمانده این سمینار! به نظرم به درست رفقای برگزار کننده این جلسه موضوع تمامیت ارضی و فدرالیسم را در دستور گذاشته و بسیار لازمست در مورد این موضوعات بحث کنیم. در صورتی که این دو موضوع صورت مسئله جنبش اعتراضی و انقلابی جاری نیستند. در آن صورت پس تناقض به نظر نمیرسد، در اینجا در موردشان صحبت میکنیم؟ به نظرم تناقضی در کار نیست، چون جریانات معینی تصمیم گرفته اند این موضوعات عقب مانده و مخاطره آمیز را به صورت مسئله جامعه تبدیل کنند. نمونه های تاریخی سناریوسازیهای ارتجاعی فراوانند. به عنوان مثال یادمان است سال ۲۰۱۲ خیزش مردم سوریه در یک هفته اول و حتی دوشم تحریک اعتراضی برحق و قابل دفاعی بود، اما جریانات ملی مذهبی متکی به حمایت قدرتهای جهانی و دولتهای مرتجع منطقه به جنگ و سناریو سیاه تاکنون جاری تبدیلیش کردند. از این زوایه نسبت به جست و خیز جریانات راست و ملی گرا در فضای سیاسی ایران کاملاً باید حساس و هوشیار بود. جامعه را نسبت به مخاطرات علم کردن شعار "تمامیت ارضی" ناسیونالیسم ایرانی و "فدرالیسم" ناسیونالیستهای محلی آگاه و آماده کرد. نقطه عزیمت هر دو ترند ناسیونالیستی که مداوماً در فکر بند و بست و معامله باهمند، مقابله کردن با شرایط انقلابی فضای سیاسی ایران است. همه جریانات ناسیونالیست نگران از فضای انقلابی و چپ گرایانه حاکم بر جنبش سرنگونی و خروش انقلابی پنج ماهه اخیر در توافقات نوشته شده و یا نانوشته نگرانند و تقابل با خروش انقلابی در فضای سیاست ایران را امر مشترک خود میدانند. اینها میخواهند در تقابل با فضای انقلابی جاری، فضای سیاسی را ناسیونالیزه و آلوده کنند. نباید گذاشت در این حرکت ارتجاعی موفق شوند.

تمامیت ارضی: شعار و پلاتفرم ناسیونال شونیسیم ایرانی!

پنج ماه است، شاهد خیزش انقلابی مستمر و متحد و هم بسته و سراسری به دور از احساسات و دسته بندیهای ملی و محلی و مذهبی هستیم. در همه این مدت ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم کرد تلاش کردند، رنگ ملی و قومی به این حرکت بزنند. اما موفق نشدند. به ویژه در یک ماهه اخیر ابتدا رضا پهلوی به نیابت از ناسیونالیسم عظمت طلب ایران و مشروطه خواهان با فرمول "حفظ تمامیت ارضی" و علم کردن بی پایه "تجزیه طلبی" به سبک "دایی جان ناپلئونی" در حال رژه و جنگ با "تجزیه طلبان" است. مشروطه خواهان و پهلوی چی ها برای به فروش رساندن کالای بنجل ناسیونالیستی خود دنبال "تجزیه طلب" میگردند. شعار و فرمول "تمامیت ارضی" و علم کردن بیهوده "تجزیه طلبان" در تاریخ صد ساله ایران پرچم و پلاتفرم ناسیونال

دوره انقلابی

و مروری بر اوضاع سیاسی ...

تمامیت ارضی و فدرالیسم: دوروی طرح فضا

سازی ناسیونالیستی ...

همانطور که ناسیونالیسم عظمت طلب ایران برای توجیه فلسفه وجودی خود به "تجزیه طلب" نیاز دارد، فدرالیستها هم برای توجیه موجودیت خود به وجود دولت ناسیونال شونیستی سرکوبگر در مرکز احتیاج دارند. در پشت صحنه این فصل مشترک ارتجاعی، نقشه های جنگ و خونریزی و بده بستنهای ضد مردمی را بارها و بارها شاهد بودیم.

فدرالیسم در عین حال تعصبات و عرق ملی و دسته بندی ملی را باد میزند. تفرقه در صفوف کارگران و مردم و انسانهای سالها زندگی کرده و همسایه باهم را براساس هویت کاذب ملی و برای تقسیم "خاک و زمین" به جان هم میندازند. میخواهند جنگ و پاکسازی ملی و قومی را به جامعه تحمیل کنند. در همین دوران نمونه های دردناک جنگ و خونریزی بر اساس تفرقه ملی در بالکان و افغانستان و عراق و لیبی و رواندا و ... شاهد بودیم. ناسیونالیسم ایرانی و فدرالیستها میخواهند چنین سرنوشتی را بر مردم تحمیل کنند. طرح و نقشه این جریانات ضد خروش انقلابی جاری، ضد کارگری و ضد مردمی و به معنای دقیق کلمه عقب مانده و ارتجاعی اند.

واضح است این طرحها و نیروهای پرچمدار آنها بیش از پیش لازمست افشاء و منزوی شوند. اما صرفاً آگاهگری و افشاگری کافی نیست. در مقابل طرح و آلترناتیو جریانات راست، طرح و آلترناتیو چپ و سوسیالیستی با همه توان لازمست به میدان کشیده شود. در مقابل رهبری و نیروی سیاسی و اجتماعی متشکل راست، رهبری و نیروی سیاسی و اجتماعی سازمانیافته چپ را باید در صحنه جدال طبقاتی و مبارزاتی تضمین کنیم. تلاش مبارزاتی نیروهای چپ و کمونیست در داخل و خارج کشور لازمست در چنین مسیری کانالیزه شود و چنین قطب نمایی داشته باشد. ما به سهم خود در این رستا میکوشیم.

دهم فوریه ۲۰۲۳

سخن میگویند. این جریان از آنجا که ماهیتا ارتجاعی و ضد روند انقلابی است، از آنجا که به روند مبارزه انقلابی متکی نیست و صرفاً حرکت توده ای را با اتکا به فریب رسانه ها هایجک میکند، تنها ابزار و نقطه امیدش لابیگری و حمایت دولتها و روشهای ضد انقلابی است. قرار است برای ایران "لویه جرگه" تشکیل دهند که مورد حمایت آمریکا و دول غربی باشد و حاکمیت دولت انتقالی را در تهران برسمیت بشناسد. اقداماتی مانند حمله نظامی محدود به بهانه پروژه هسته ای، تحریمهای اقتصادی و اعمال فشارها، در اوضاع مشخص انقلابی همه به روند بالا و بیرون راندن مردم از سیاست خدمت می کنند. حتی اگر چنین بند وبست و کودتائی علیه خیزش انقلابی در ایران صورت گیرد، سرپانگه داشتن این دولت مستعجل در تهران کار بشدت سختی خواهد بود.

در پس جد و جهد و تلاشهای بورژوازی ایران برای مصادره کردن روند انقلابی و کنترل آن بنفع اهداف خویش، یک آنتی کمونیسم زمخت و فالانژ برای هر نابیانی سیاسی قابل دیدن است. جامعه و جنبش انقلابی ماهیتا با اهداف و کاراکتر بورژوازی ایران فاصله عمیق دارد. این فاصله فعلاً با سوبسید اختناق و سانسور و عدم امکان حضور گسترده و مستقل کارگران پوشیده است. این دوره بسیار کوتاه است و با سیر گسترش مبارزه انقلابی تغییر می کند. اردوی کارگری و کمونیستی و انقلابی، صف وسیع و سهمگینی است که متاسفانه هنوز خود این اردو به آن باور ندارد. پروژه ما مسیر یکسانی ندارد اما جنگ ما با بورژوازی بناچار محدود به حاکمیت فعلی نخواهد شد و جدال واقعی طبقه با طبقه سرنوشت ایندوره را چه در سیر سرنگونی و چه بعد آن تعیین خواهد کرد.

۱۰ فوریه ۲۰۲۳

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم

و مستمر کارگران است!

در اعتراضات کارگری به مجمع عمومی
متکی شوید! مجمع عمومی را آگاهانه و بنا
به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!



شوراهای کارگری را برپا کنیم!

نسل جدید و جمهوری اسلامی *

منصور حکمت

فکر می‌کنم مقوله جوانان در ایران دارد چهارچوب کلی سرنوشت جمهور اسلامی را تعیین می‌کند. ببینید این یک حکومتی است که بیست و چند سال پیش سرکار آمد. یک حکومت استبدادی، مذهبی و ارتجاعی که روی خون و روی بی‌حقوقی انسان‌ها بنا شده است. حکومتی است فوق‌العاده واپس‌گرا و ضد حتی آسایش و خوشبختی انسان‌ها، ضد شادی انسان است. حالا سال ۲۰۰۱ را بیاورید. در سال ۲۰۰۱ جوان‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ ساله دارند می‌بینند در دنیا دارد چه اتفاقی می‌افتد، دنیائی است که در آن واحد گوشه و کنار با هم تماس دارند. این دنیای ماهواره و رسانه‌ها است، دنیای شبکه اینترنت، دنیای انفجار عظیم اطلاعاتی و ارتباطاتی است که در سالهای اخیر اتفاق افتاده است.

در یک چنین دنیایی، نگهداشتن یک حکومت اسلامی در یک کشور ۶۰-۷۰ میلیونی که همیشه فرهنگ رو به غرب داشته، از نظر فکری و فرهنگی در بخش اعظم تاریخ خودش جامعه بازی بوده است، غیر ممکن است.

جمهوری اسلامی را تحویل نسلی بدهید که به قرن ۲۱ چشم باز می‌کند، از او بپرسید که اینرا می‌خواهی؟ می‌گوید نه نمی‌خواهم! چرا باید در شرایطی که جوان فرانسوی، جوان ایتالیایی، جوان انگلیسی، جوان آمریکایی دارد یک دنیای دیگری را تجربه می‌کند، جوان ایرانی در این لحظه از تاریخ بشریت و تمدن بشر مشغول این باشد که آیا باید گردن مردم را بزنند؟ سنگسار بکنند؟ اجازه دارد موزیک گوش بدهد؟ اجازه دارد با جنس مخالف معاشرت بکند؟ آیا حقوق برابری با هم دارند بخاطر جنسیت شان یا نه؟ آیا می‌تواند عقاید داشته باشد و یا روزنامه بخواند یا سفر بکند یا هر چه؟

اینها در جهان امروز حقوق پیش و پا افتاده است. درست است که خیلی جاها نقض میشود. ولی آنجاهایی که نقض می‌شود به آن می‌گوییم دیکتاتوری ارتجاعی و مردم جهان می‌دانند که آن را باید عوض کرد. در نتیجه صورت مسئله جمهوری اسلامی اصلا این است که ببرد این نسل نمی‌خورد، ربطی به این نسل ندارد.

نسل ما وقتی که با جمهوری اسلامی روبرو شد، در یک نبرد با آن روبرو شدیم. به ما حمله شد، سرکوب کردند، کشتار کردند، عقب‌نشستیم. ما جوان‌های آن دوره بودیم. آن دوره اینها در یک نبرد خونین توانستند نسل ما را عقب‌بنشانند. تازه هیچ موقع مبارزه علیه این رژیم قطع نشد. جنبش کمونیستی فعالیت خودش را ادامه داد: آرایش‌های جدید، پیشروی‌های جدید در قلمروهای مختلف.

این نسلی که توده وسیع‌اش به صورت جوانان الان با جمهوری اسلامی روبرو است، اصلا در این سیستم چشم‌گشوده است. هیچ چیزی از خمینی یادش نیست، هیچ چیزی از انقلاب ۵۷ یادش نیست. چیزی از تمام آن جنبه ملی و شاه و بختیار یادش نیست. لاقلاً اگر هم می‌خواند آنها را در تاریخ، می‌خواند.

او به زندگی خودش نگاه می‌کند. یک آدم بیست ساله، هیجده ساله در اول قرن ۲۱ چه گناهی کرده است که به فید قرعه کشی در جمهوری اسلامی بدنیا آمده؟ این آدم می‌توانست هر کجای دنیا باشد و سرنوشت دیگری داشته باشد، (این نسل) سرنوشت دیگر را می‌خواهد.

کره ارض الان کوچک‌تر آن است که شما بتوانید یک گوشه‌اش را دیوار بکشید و در آن برنامه خودتان را پیاده بکنید، دنیا هوای همدیگر را دارد. می‌پاد، دارد نگاه می‌کند و جوان ایرانی بنظر من حکم نهایی را به جمهوری اسلامی می‌دهد.

اگر جمهوری اسلامی باید سرنگون بشود، یک رکن این باید و قطعیت آن اینست که جوان‌های ایران آن را نمی‌خواهند. نسلی که می‌خواهد در آن مملکت زندگی کند این حکومت را نمی‌خواهد. حالا نیروی این ۳۰ میلیون نفر آدم بیشتر است یا مقاومت یک عده آخوند؟ این مقاومت بزودی شکسته می‌شود. بنظر من جمهوری اسلامی قطعا رفتنی است. حالا این چه تأثیری روی جنبش دانشجویی دارد؟ بنظر من این روی همه چیز تأثیر دارد.

حرکت زنان و جوانان در ایران روی همه چیز تأثیر دارد. طبیعی است که جنبش دانشجویی به دلیل رابطه سنی و بدلیل اینکه ماتریال و نیروی انسانی‌اش دقیقاً همین جوان‌ها هستند که صحبت‌شان را می‌کنیم، نسبت به این مساله حساس‌تر است. فکر می‌کنم پدیده بسیار بزرگی پشت مقوله‌هایی مثل تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی دو خرداد پنهان میشود. غولی که در جنبش دانشجویی ایران (من این کلمه "جنبش دانشجویی" را دوست ندارم ولی بهرحال بکار می‌برم. بعداً توضیح میدهم چرا دوست ندارم) در دانشگاه‌های ایران خوابیده اگر بیدار بشود، تحکیم وحدت و دو خرداد و خامنه‌ای و جنتی و ده نمکی را تار و مار می‌کند. بخاطر اینکه یک نیروی عظیم چند ده میلیونی است. همه آنها هم دانشجویی ثبت نام کرده نیستند. این قشار جامعه فردا است بر جامعه امروز و حکومتی که مال دیروز است. این قشار فرداست روی دیروز.

بگذارید در چند کلمه بگویم چرا بنظر من این را جنبش دانشجویی نامیدن درست نیست. چون کلمه دانشجویی یک مقوله صنفی را به ذهن می‌آورد. دانشجویان برای مثال به نمره هایشان اعتراض دارند، یا به شیوه غذا دادن در سلف سرویس دانشگاه. یا حتی جنبش دانشجویی وقتی هم به سیاست می‌پردازد بعنوان یک حرکت دانشجویی

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

به مناسبت درگذشت رفیق عیسی جمشیدی (عیسی سور)



با کمال تأسف و تأثر فراوان اطلاع یافتیم که روز شنبه ۴ فوریه ۲۰۲۳ رفیق عیسی جمشیدی از رهبران و فرماندهان قدیمی حزب کمونیست ایران و کومه له در شهر استکهلم درگذشت.

رفیق عیسی جمشیدی (عیسی سور) از رفقای شناخته شده و از چهره های خوشنام در میان مردم کردستان و بویژه مناطق جنوبی کردستان بود و بسیاری هنوز یاد این فرمانده شجاع و با اتوریته را در جنگ با نیروهای سرکوبگر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بیاد دارند. ابتکار، کاردانی و صمیمیت رفیق عیسی او را به رهبری مورد اعتماد نزد رفقایش و مردم منطقه بدل کرده بود. رفیق عیسی علیرغم مرضی، تا آخر روزهای زندگی خود برای تحقق آرمان‌هایش و نزدیکی و اتحاد نیروهای چپ و کمونیست، با تأکید بر حساس بودن شرایط فعلی جامعه همواره در تلاش بود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن اظهار تأسف به اعضای خانواده و رفقایش در حزب کمونیست ایران و کومه له تسلیت می گوید. بدون شک یاد او و تلاشش برای تحقق آرمانهای انسانی زنده و گرامی خواهد ماند.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۵ فوریه ۲۰۲۳

نسل جدید و جمهوری اسلامی ...

می پردازد. ولی آنچه الان وجود دارد یک جنبش دانشجویی نیست. این یکی از همان ظرف های ابراز وجود مردم است. تا دانشگاه هم شلوغ می شود هر کس از هر رشته و فن و جای شهر پا می شود می رود دور دانشگاه جمع میشود. قضیه را متعلق به خودش می داند. جنبش دانشجویی عملاً نوک کوه یخ بزرگ اعتراض مردم و اعتراض توده ای است.

قبلاً هم گفتیم، به دلیل اینکه سرکوب دانشگاه برای یک رژیم استبدادی که مدعی است دارد جوان ها را آنجا پرورش می دهد خیلی سخت تر است. سرکوب دانشگاه و دانشجو خیلی برای این رژیم سخت تر از سرکوب اعتراض در یک نقطه دور افتاده کشور است. در نتیجه مردم از (مبارزه دانشجویی) به عنوان یک نوع پوشش برای مبارزه خودشان استفاده می کنند. بسرعت جایگاه این مبارزه، که وسیع تر از دانشگاه هاست، روشن میشود.

بنظر من امسال در تعیین تکلیف جوانان با حکومت، سال تعیین کننده ای است. یک گوشه اش هم اینست که جنبش دانشجویی، به این معنی فعلی آن، جای خودش را به یک جنبش عظیمی که دانشجویان در آن شرکت دارند، میدهد و رهبری اش با جوان های چپ و کمونیست است.

منصور حکمت: ضمیمه ۱ منتخب آثار. وقایع خرم آباد، جنبش دانشجویی نوک کوه یخ اعتراض توده ای (ص ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶).

* تیزر "نسل جدید و جمهوری اسلامی" انتخاب سردبیر است.

اطلاعیه مراسم خاکسپاری و بزرگداشت رفیق عیسی جمشیدی

بدین وسیله به اطلاع می‌رسانیم که مراسم خاکسپاری رفیق عیسی جمشیدی، فرمانده کاردان، یکی از چهره های جنبش کمونیستی ایران و کادر برجسته ی کومه له و حزب کمونیست ایران روز جمعه ۱۷ فوریه ساعت ۱۲ در آرامگاه Skogskyrkogården در استکهلم برگزار می‌شود.

مراسم ساعت ۱۲ در Heliga korssets kapell با حضور کبری غربی همسر رفیق عیسی و فرزندانشان سارا و آلان و خواهر عزیزش رفیق طلا جمشیدی و دیگر بستگان و حاضرین شروع میشود.

بعد از آخرین وداع، پیکر زنده یاد رفیق عیسی را به سمت آرامگاه ابدیش مشایعت میکنیم.

مراسم گرامیداشت رفیق عیسی بعد از خاکسپاری از ساعت ۱۴ تا ۱۸ در رستوران Piazza Blu برگزار می‌شود.

آدرس محل خاکسپاری

Skogskyrkogården
Sockenvägen 492, 122 33 Enskede
T-bana linje 18 mot Farsta Station Skogskyrkogården

آدرس محل مراسم یادبود

Piazza Blu / Hallonbergen
Hallonbergsplan 5, 174 52 Sundbyberg
T-bana linje 11 mot Akalla Station Hallonbergen

کمیته برگزار می‌رساند مراسم خاکسپاری و گرامیداشت رفیق عیسی جمشیدی

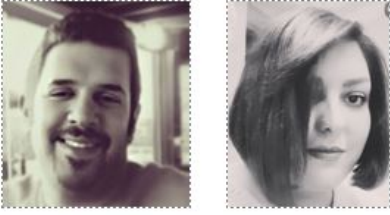
شماره های تماس:

شورش مولانی: 070 404 39 54 جلال گوینی: 076 705 07 94

جلال محمدنژاد: 070 114 25 44 مسعود عظیمی: 070 712 26 44



آزادی، برابری، رفاه همگانی!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

جوانرود، اعتصاب عمومی و لشکرکشی امنیتی ها

امروز پنجشنبه کسبه و بازاریان شهر جوانرود در مناسبت چهلمین روز قتل برهان الیاسی دست به اعتصاب عمومی زدند. در اینروز جوانان جوانرود پرچم جمهوری اسلامی را پائین کشیدند و به سطل زباله انداختند. همینطور نیروهای سرکوب رژیم وسیعا در حول و حوش آرامستان جوانرود مستقر شدند تا از اجتماع مردم جلوگیری کنند. امری که در شهرهای دیگر ایران هم در هفته اخیر صورت گرفته است. برهان الیاسی، جوان ورزشکار اهل جوانرود کرمانشاه در تاریخ شنبه دهم دی ماه بر اثر شلیک گلوله سرکوبگران خامنه‌ای در جریان اعتراضات جان باخت.

باز هم مسمومیت مشکوک دانش آموزان در قم

دانش آموزان یک مدرسه در قم بار دیگر مسموم شدند. روز چهارشنبه ۱۹ بهمن خانواده‌های دانش آموزان در اعتراض به مسمومیت‌های زنجیره‌ای و مشکوک دانش آموزان در مقابل استانداری قم تجمع کردند و خواهان پاسخ استاندار شدند.

اعتصاب رانندگان و کارگران اکتشاف نفت ایلام

رانندگان و کارگران شرکت اکتشاف نفت k.ep. کیش در دره شهر استان ایلام وارد سومین روز اعتصاب خود شدند و با تجمع در محل دست به اعتراض زدند.

کارگران شرکت فولاد کاپیان دست به اعتصاب زدند

روز یکشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۱، کارگران شرکت فولاد کاپیان در اهواز دست از کار کشیده و مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند. دلیل اعتراض و اعتصاب کارگران این شرکت، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل است که یکسال و نیم است به تعویق افتاده و مدیران شرکت مدتهاست وعده اجرای آن را می‌دهند. شرکت فولاد کاپیان حدود ۷۰۰ نفر کارگر را به صورت پیمانکاری در استخدام دارد که با سایر پرسنل مجموعاً حدود ۱۰۰۰ نفر در این شرکت مشغول به کار هستند.

اعتصاب کارگران کارخانه فولاد آریا

روز دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱، کارگران کارخانه فولاد آریا واقع در اردستان اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان اعتصاب کرده و در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. کارگران، جدا از معوقات مزدی، فاقد امنیت شغلی هستند و در آذرماه سال جاری کارفرما ۴۹ نفر از کارگران را از کار بیکار کرده است. در جریان این تجمع، مجاهدی احمدی طباء (فرماندار اردستان) به همراه اعضای شورای تأمین و روسای ادارات مسئول در کارخانه حاضر شدند.

فرماندار اردستان درباره معوقات حقوق کارگران کارخانه گفت: در جلسه‌ای که با مسئولان کارخانه داشتیم مقرر شده امروز حقوق آبان ماه کارگران پرداخت و تا پایان بهمن معوقات و حقوق کارگران تا پایان دی ماه پرداخت شود. فرماندار افزود: با توجه به اخراج تعدادی از کارگران این کارخانه، به مدیران کارخانه بار دیگر تذکر دادیم کارگران تعدیل شده در چند روز گذشته با اولویت نیروهای بومی باید مشغول کار شوند.

اعتراض کارگران فولاد سیرجان

کارگران شرکت فولاد سیرجان ایرانیان پس از عملی نشدن وعده مدیران از روز دوشنبه دهم بهمن تا دوازدهم بهمن در اعتصاب به سر می بردند. اعتراض و اعتصاب کارگران فولاد سیرجان که با تجمع مقابل شرکت همراه بوده به علت پایین‌تر بودن حقوق و مزایای خود نسبت به سایر کارکنان منطقه گل‌گهر، صورت گرفته است. مدیر روابط عمومی این مجموعه در پاسخ به این اعتراضات گفته که این شرکت مطابق قوانین اداره کار به تمام تعهداتش عمل کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت یزد تایر

روز سه شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱، کارگران شرکت یزد تایر با روشن کردن آتش در محوطه کارخانه، در اعتراض به برآورده نشدن مطالبات خود شعار می‌دهند: "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه"، "کارگر داد بزن حقو فریاد برن". لازم به ذکر است که در روزهای گذشته کارگران کیان تایر با روشن کردن آتش دست به اعتصاب در محوطه کارخانه زدند.

تجمع کارگران شرکتی شهرداری‌های خوزستان

کارگران قراردادی شهرداری‌های استان خوزستان در اعتراض به تبدیل نشدن قراردادهايشان مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران که صبح سه‌شنبه ۱۸ بهمن به همراه خانواده‌هایشان مقابل استانداری جمع شده بودند، به خبرگزاری دولتی ایلنا گفتند: طرح تبدیل وضعیت استخدامی کارگران شهرداری ابلاغ شده و متوجه شده‌اند «طبق دستور کتبی مدیر کل امور شهری و شوراهای استانداری قرار است تمام پست‌های سازمانی در نظر گرفته شده برای کارگران مشمول این طرح، برای همکاران ایشارگر در نظر گرفته شود». حدود ۲۰۰ نفر از کارگران دانش‌آموخته شهرداری‌های خوزستان «بر اساس بخشنامه سال گذشته وزارت کشور و سازمان شهرداری‌ها مشمول تبدیل وضعیت استخدامی از شرکتی به قرارداد مستقیم همانند سایر شهرداری‌های کشور شده‌اند. اما استانداری با استناد به رای‌ی که ۲۲ شهریور ماه سال جاری (۱۴۰۱) از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با شکایت یکی از شاکیان خصوصی در استان گیلان صادر شده است، از تبدیل وضعیت استخدامی کارگران مشمول این طرح خودداری می‌کند. هزاران کارگر در شهرداری‌های سراسر ایران با قراردادهای موقت و با

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

واسطه شرکت‌های پیمانکاری مشغول به کار هستند.

احضار شیوا موسی‌زاده به دادگاه
چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ شیوا موسی‌زاده دانشجوی دانشگاه هنر تهران، توسط شعبه دوم دادگاه کذائی شهرستان خرم‌آباد به جرم «تبلیغ علیه نظام» احضار شد. پیش‌تر در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۴۰۱، احضاریه دیگری از سوی دادگاه کیفری شعبه ۲ شهرستان خرم‌آباد در خصوص شکایت اطلاعات سپاه مبنی بر «اخلال در نظم و آسایش عمومی» استناد بر حضور در محل تجمعات اعتراضی برای او صادر شده بود.

صفیه بسیم، به دو سال تنزل رتبه محکوم شد
صفیه بسیم، از معلمان و فعال صنفی در استان البرز در هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری استان البرز به «تحریر همکاران و شرکت در تحصن، اعتصاب و اعتراضات معلمان، تحصن در دفتر مدیران و عدم حضور در کلاس» به دو سال تنزل یک گروه محکوم شدند.

افزایش نگرانی‌ها در مورد سرنوشت سامان یاسین
بنا به گزارش‌های منتشرشده، از سرنوشت سامان یاسین (صیدی)، خواننده رپ اهل کرمانشاه که روز شنبه ۸ بهمن از سوی نیروهای امنیتی از زندان رجایی شهر کرج به مکانی نامعلوم منتقل شده اطلاعی در دست نیست. این زندانی سیاسی پیشتر به اتهام "محاربه" به اعدام محکوم شده بود اما در ماه‌های گذشته این حکم از سوی دیوان عالی کشور لغو و پرونده برای بررسی مجدد به دادگاه ارجاع داده شد. انتقال این زندانی سیاسی به مکانی نامعلوم، افزایش نگرانی در مورد احتمال شکنجه مجدد وی برای گرفتن اعترافات اجباری را به همراه داشته است. این گزارش می‌افزاید، روز شنبه ۸ بهمن در حالی که سامان یاسین برای اعزام به بیمارستان خارج از زندان انتظار می‌کشید، بدون ارائه دلیل خاصی به دفتر نگهبانی احضار و با نامه دادسرای امنیت مستقر در زندان اوین به مکانی نامعلوم منتقل شده است.

رشته تونیتی از مونا رشیدی همسر علی اسدالهی
گزارشی از وضعیت زندان فشافویه: هفتاد و چهارمین روز بازداشت همسر علی اسدالهی هم گذشت. در همان ملاقات کوتاه کابینی پرانرژی و سرحال بود تا اینکه خبر رسید بعد از ملاقات، هم‌اتاقی‌هایش، سهیل عربی و مصطفی نبلی، را با وضعیتی نامناسب از زندان خارج کرده‌اند. آرامش بند و اتاق با این جابجایی ناگهانی به هم ریخته، آن هم بعد از اینکه توانسته بودند کمی به شرایط سروسامان بدهند. پنج نفر کف خواب تنها در یک اتاق، سالن شلوغ، سرویس بهداشتی آلوده، عدم وجود خدمات در زندان، افتادن مسئولیت حفظ بهداشت به دوش خود زندانیان، جابجایی‌های مدام و استفاده‌ی چند باره از لوازم شخصی مانند پتو، تمام زندانیان فشافویه را در معرض خطر ابتلا به بیماری عفونی قرار داده، طوری که همسر دچار عفونت چشم شده است. ادامه‌ی این وضعیت در شرایطی که بسیاری از زندانیان در بلاتکلیفی به سر می‌برند، جوانان دهه هشتاد با احکام سنگین روبرو شده‌اند، هنوز عده‌ای در بازداشت موقت‌اند و به پرونده آنها رسیدگی نمی‌شود و زندانیان سالمند در شرایطی در زندان هستند که امکان نگهداری و مراقبت از خود را ندارند، بسیار غیرانسانی و غیرقابل قبول است.

شیوع شدید بیماری در میان زندانیان زندان اوین
در چند روز گذشته اکثر زندانیان بند ۸ زندان اوین به

تجمع اعتراضی پنبه کاران پارس آبادمغان مقابل فرمانداری
نزدیک هزار میلیارد تومان پنبه از کشاورزان منطقه مغان خریداری شده است که از این مبلغ تنها ۲۰۰ میلیارد تومان به حساب پنبه کاران واریز شده و با گذشت ۴ ماه هنوز مطالبات پنبه کاران پرداخت نشده است.

تجمع خودروهای باری حامل محصول گوجه فرنگی
در منطقه هشتبندی استان هرمزگان، تعرفه هفتاد درصدی چند ماه زودتر و در ابتدای فصل برداشت در نواحی جنوب به اجرا گذاشته شد. تعرفه صادرات هفت محصول آببر جالیزی پیاز، سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی، هندوانه، خربزه، ملون و طالبی از سال ۱۴۰۲ هفتاد درصد تعیین شده است. یکی از معترضین می‌گوید: «هنوز تعرفه اجرایی نشده، ابلاغیه آن آمده کسی محصول ما را نمی‌خرد. این هم از بی‌تدبیری مسئولین کشور ما».

یورش امنیتی ها به تجمع خانواده های بازداشتی های آبدانان!
در تجمع روز یکشنبه ۱۶ بهمن ماه مقابل دادگاه آبدانان نیروهای امنیتی با گاز اشک آور به خانواده های زندانیان حمله ور شده و مشخصاً پدر سجاد مرادی و ندان را با الفاظ رکیک زیر ضرب و شتم قرار دادند. تا کنون ۱۷ تن از جوانان آبدانان با یورش شبانه دستگیر و به زندان منتقل شده‌اند.

بازنشستگی اجباری و تقلیل گروه نگار سادات حسینی رضوی
در ادامه فشارهای وارده اخیر بر فعالین معلمان، در اقدامی از سوی هیئت بدوی تخلفات استان هرمزگان خانم نگار سادات حسینی رضوی با ۲۶ سال سابقه به بازنشستگی با تقلیل یک گروه محکوم شد. در این حکم آمده: «یکی از مراجع ذیصلاح در آموزش و پرورش هرمزگان اعلام داشته که نامبرده با سمت دبیر آموزشگاه هدف کیش اقدام به تحریک دانش آموزان جهت شعارنویسی بر روی دیوار و تابلوهای کلاسی و سردادن شعارهای هنجارشکنانه در راهروهای مدرسه نموده که این امر مصداق خلاف شئون شغلی است. شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی با تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی می‌باشد».

بازداشت عثمان اسماعیلی در سقز
عثمان اسماعیلی از فعالان کارگری کردستان، روز چهارشنبه ۱۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی شهر سقز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

داود رضوی، کارگر زندانی، دچار خونریزی گوارشی شده است. بر اساس نظر پزشک زندان جهت انجام معاینات بیشتر، خانوادهی داود رضوی به پزشکی قانونی شهر ری مراجعه و نامه را به زندان تهران بزرگ تحویل داده‌اند. طبق درخواست پزشکی قانونی ایشان باید جهت بررسی بیشتر به متخصص گوارش ارجاع داده شوند. داود رضوی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، که ۵ مهر ماه ۱۴۰۱ بازداشت شده است، هم‌چنان با تکلیف در زندان تهران بزرگ نگهداری می‌شود و با وجود انتقال پرونده ایشان به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، هنوز کیفرخواستی برای او صادر نشده و بازداشت موقت او نیز در دو ماه اخیر به ایشان ابلاغ نگردیده است. در مراجعه خانواده رضوی به دادگاه انقلاب با درخواست مرخصی جهت انجام مراحل درمان نیز موافقت نشد و اعلام کردند به دنبال نامه زندان، روند کارهای درمانی پیگیری خواهد شد.

تمدید قرار بازداشت امجد ساعدی فعال کارگری

روز دوشنبه ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۱، قرار بازداشت امجد ساعدی فعال کارگری اهل سنندج و ساکن شهر مریوان برای ۱۵ روز دیگر تمدید شد. این در حالی است که وی علیرغم گذشت ۳۰ روز از زمان دستگیری کماکان تحت بازجویی و بازداشت می‌باشد. لازم به ذکر است نامبرده بیمار و نیاز مبرم به دارو و درمان و معالجه در خارج از زندان دارد. امجد ساعدی در جریان اعتراضات سراسری اخیر دو بار از سوی نیروهای امنیتی شهر مریوان بازداشت شده است.

بیماری آنفولانزای حاد مبتلا شده‌اند. بنابراین اخبار چند شب گذشته شاپور احسانی‌راد دچار تب و لرز شدید شده و سینا ظهیری از دیگر زندانیان این بند پس از وخامت حال با برانکارد به بهداری زندان منتقل شده بود. بندهای مختلف زندان اوین بسیار شلوغ شده و تعداد زیادی از زندانیان و بازداشت‌شدگان از قرنطینه زندان به بند ۸ و دیگر بندها منتقل شده‌اند و همین موضوع منجر به تشدید بیماری شده است. براساس این خبرها بند زنان زندان اوین نیز وضع به همین منوال است و زندانیان زن زیادی بیمار شده‌اند. در چنین شرایطی مسئولان زندان حتی از توزیع کافی ماسک برای زندانیان خودداری کرده‌اند و امکانات درمانی و دارویی کافی برای زندانیان وجود ندارد.

محمد و علی رخشانی آزاد، دو برادر بلوچستانی آزاد شدند

محمد و علی رخشانی آزاد، دو برادر کودک بلوچستانی که یک روز پس از «جمعه خونین» زاهدان بازداشت شدند، روز ۲۰ بهمن ماه پس از ۱۳۱ روز بازداشت با تودیع قرار وثیقه از زندان آزاد شدند. لازم بذکر است که محمد دچار بیماری تشنج و تحت نظر پزشک بوده است.

عفو بین‌الملل: «دستکم ۱۴ معترض در خطر اعدام قرار دارند»

سازمان عفو بین‌الملل در یک گزارش، خواستار لغو احکام اعدام دست کم ۱۴ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر زاهدان که در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند شد. اسامی این ۱۴ نفر که در ارتباط با اعتراضات اخیر به اعدام محکوم شده‌اند به شرح زیر است: «عرشیا تکدستان، جواد روحی، ابراهیم نارویی، کامبیز خروت، مجید کاظمی، منوچهر مهمان‌نواز، منصور دهمرده، محمد بروغنی، مهدی بهمن، مهدی محمدی‌فرد، محمد قبادلو، صالح میرهاشمی، سعید یعقوبی و شعیب میربلوچ زهی ریگی».

احضار فرزانه زیلابی وکیل پیشین کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه

فرزانه زیلابی وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری از سوی شعبه سیزده دادرسی اهواز احضار شد. اتهام‌های این وکیل دادگستری، توهین به مقام رهبری، نشر اکاذیب در فضای مجازی جهت تشویش اذهان عمومی، فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه امنیت، عضویت در گروه‌های معاند است. فرزانه زیلابی پیشتر وکالت کارگران هفت تپه و برخی فعالان سیاسی خوزستان را به عهده داشت. هم‌اکنون وکالت برخی معترضان در جنبش اعتراضی اخیر، وکالت پرونده بازنشستگان تأمین اجتماعی خوزستان، برخی خبرنگاران خوزستانی و از جمله دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان پیروز نامی را به عهده دارد.

داود رضوی دچار خونریزی گوارشی شده است



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

سالگرد انقلاب ۵۷؛

شباهتها و تفاوتها با دوره انقلابی کنونی

امیر عسگری

انقلاب ۵۷ که توسط جریان اسلامی سرکوب شد دارای شبهات و تفاوت‌هایی با دوره انقلابی امروز است. همانطور که هر دو حکومت سلطنتی و جمهوری اسلامی به لحاظ خودکامگی، سرکوب، کشتار و استثمار طبقاتی با هم شباهت دارند، مبارزات انقلابی و خواستهای مطرح شده از سوی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و زنان و مردان، با هم شباهت دارند.

در انقلاب ۵۷ جنبش ملی-اسلامی با کمک دولتهای غربی و کنفرانس گوادلوپ روی موج انقلابی سوار شدند و جریانات "ضد امپریالیست" و عمدتاً طرفدار شوروی سابق مثل حزب توده و اکثریت مونتلف آنها شدند. ملیون و تفکر توده ای در سیمای خمینی آرزوهایش را میدید و جمیعا علیه کارگران و انقلابیونی که زندگی بهتری را جستجو میکردند ایستادند و نهایتاً آنها را بخون کشیدند. این همه با همی موجب شد تا پروسه سر بریدن انقلاب و حذف مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی شتاب پیدا کند و همراه با آغاز جنگ ایران و عراق، سرکوب قطعی انقلاب و قتل عام وسیع در دهه شصت صورت گرفت.

بعد از چهار دهه هنوز این گرایشات در صحنه سیاسی حاضرند و هنوز کمابیش همان سیاستها را دنبال می کنند. و هنوز انقلابیون و مردمی که حکومت اسلامی را قبول نکردند و علیه اش ایستادند، مبارزه می کنند و بار دیگر در جامعه و در کف خیابان، دانشگاه و کارخانه این دو صف عمده تر را می بینیم. این گرایشات را می توان در خیزش شهریور ۱۴۰۱ به وضوح دید.

در مقایسه دوره انقلاب ۵۷ با دوره انقلابی کنونی، تمایزات مثبت و درخور توجه ای را میتوان برشمرد.

جامعه کنونی اسلام زده نیست، ضد اسلامی است. ضد زن نیست، طرفدار زن است، فردمحور نیست، به امر جمعی متکی است. شعارهایش روشن تر است و علیه سیاست همه با هم است.

در دوره کنونی بورژوازی همان راه سابق را میرود. تلاشهای مختلف رضا پهلوی برای جمع کردن جریانات مختلف پشت خود و شکست اخیرش در مضحکه "وکالت سیاسی" و پلاریزه تر شدن اپوزیسیون، نشان اینست که تکرار سناریوی ۵۷ خمینی ممکن نیست. همزمان با مبارزات در داخل کشور، همسوئی بین قطبهای چپ از یکطرف و قطب راست از طرف دیگر، دلیل دیگری بر شکست سیاست همه با هم و امروز اتحاد نیروهای راست و ناسیونالیست و پوپولیست است. دوره

انقلابی کنونی جامعه و اپوزیسیون را وارد صف بندی برای دو آینده متفاوت کرده است که اتفاقی بسیار مثبت است.

در کنار شعارهای رادیکال و برابری طلبانه شاهد عمل سیاسی و میدانی رادیکال مانند حجاب سوزان بودیم که از نفوذ فکری جریانات چپ و مشخصاً کمونیسم کارگری میگوید.

شعارهای مشخص تر ضد سلطنتی و ضد قومی نقطه قوت دیگر است. سر دادن شعارهایی مانند "سقف و کتاب و گندم، قدرت بدست مردم" و "نه شاه میخوایم نه رهبر مرگ بر ستمگر" از یک آگاهی نوین سخن میگویند که مانع بزرگی در مقابل سیاستهای همه با همی و ناسیونالیستی است. علی رغم تبلیغ راست بر "اتحاد" و "تفرقه ایجاد نکنیم"، این سیاست تاکنون شکست خورده است. عدم اتحاد با نیروهای مرتجع و راست بخصوص از سوی نیروهای چپ و کمونیست و تشکیل صف مستقل و تقویت تشکل یابی نیروهای چپ و پیشرو نشانگر فهم و درک سیاسی از شرایط کنونی و ندادن امتیاز به هرگونه نیرویی است که میخواهند نظامی بالادست مردم و یا نوعی دیگر از سرمایه داری را بر جامعه تحمیل کند. ما معتقدیم که راستها سرنگونی طلب هم نیستند نهایتاً با جمهوری اسلامی مخالفند اما کل سیستم را میخواهند نگاه دارند. کمونیست ها برعکس سرنگونی طلب و انقلابی اند و کل سیستم را میخواهند عوض کنند.

چپ و کمونیست در شرایط کنونی و سالگرد بهمن ۵۷ به جمهوری اسلامی و هر نوع راست و بورژوایی باید بیش از پیش نشان دهد که نه تنها خواهان انقلاب کارگری و کمونیستی است، بلکه در مقابل هر نوع بند و بست از بالا و تلاش برای بازسازی سرمایه داری خواهد ایستاد.

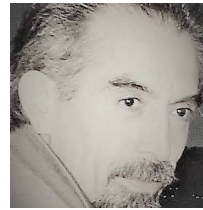
۲۰ بهمن ۱۴۰۱



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

یادداشت ها،

سیاوش دانشور



خاکریزهای نظام اسلامی زیر فشار خیزش انقلابی "اصلاحات"، "تدوین قانون اساسی" و "مجلس موسسان"

امواج خیزش انقلابی تا عمق تاریکخانه های عمارت اسلامی را درنوردیده و هر روز تحت این فشار و پیامدهای آن با واکنشی روبرو میشود. نامه های اخیر میرحسین موسوی و محمد خاتمی در کنار نمایش "عفو" خامنه ای، گوشه ای از فشار خیزش انقلابی روی رژیم اسلامی را منعکس می کنند.

دیکتاتور اعظم بعد از ارتکاب صدها قتل و جنایت و تجاوز، بعد از بازداشت بیست هزار معترض و کور کردن تعداد زیادی از زنان و مردان، با وقاحت فرمان "عفو" میدهد. این عفو پروتکل جاری سالیانه و عمدتاً برای بستن پرونده های اختلاس و فساد حکومتی ها و آخوندها است و در حاشیه شامل تعدادی زندانی دیگر میشود. تا به "عفو" بازداشت شدگان خیزش انقلابی برمیگردد، خامنه ای ناچار است آزدشان کند، نمیتواند همه را بکشد یا به زندانهای طولانی مدت محکوم کند، فاقد چنین قدرتی است و امروز و فردایش نامعلوم است. لذا ژست می گیرند که "به شرط پشیمان شدن و توبه کردن" آزاد خواهند شد. این خامنه ای و ابواب جمعی جمهوری اسلامی است که بزودی در صندلی اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه خواهند شد. خامنه ای در موضع بخشش و عفو نیست، او سمبل انزجار مردم از نظام است. فشار جامعه معترض و انقلابی همه موشها را در کشتی پوسیده نظام به تکاپو انداخته است، برخی فرار را بر قرار ترجیح میدهند و برخی سرنوشت شان با سرنوشت نظام گره خورده و بناگزیر از درون نظام راهی برای مهار بحران جستجو می کنند.

نامه های میرحسین موسوی و محمد خاتمی مستقل از صورت ظاهر فرمولبندی ها، راهی برای مواجهه با اوضاع انقلابی و تغییرات کنترل شده در چهارچوب نظام را دنبال می کند. در نگاه اول به مفاد این نامه ها بنظر میرسد این "اصحاب کهف" تازه از خواب طولانی بیدار شده اند! گویا نشنیده اند که در سال ۹۶ جنبش انقلابی و دانشجویان با شعار "اصلاحطلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" آخرین میخ را به تابوت اصلاح طلبی حکومتی کوبیدند. گویا بعد آن به گوششان نخورده که جامعه با شعار: "نه میر میخوایم نه رهبر نه توله های اکبر" به کل این طیف اصلاح طلب-اعتدالی-محافظه کار و خشکه مقدس جواب رد دادند. اینها را میدانند و خوب است یادشان بیاندازیم که چه وقیحانه سران اصلاح طلبان برای سرکوب دیماه نود و شش و آبان نود و هشت بیشتر از خامنه ای ها یقه پاره میکردند.

موسوی لذا ناچار است بگوید "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" دیگر ممکن نیست، لاید از پنجره خانه و اسکرین تلفنش هر شب شعار لعنت بر خمینی به گوشش خورده و آتش زدن عکسهای خمینی را دیده است. چطور جرات کند وعده "بازگشت به دوره پهلانی" امام قاتل را بدهد؟ ناچار است خیزش انقلابی را برسمیت بشناسد، کسی که بزور زن را محجبه کرد امروز از زن تمجید کند، و پیشنهاد بدهد که بیائیم همه پرسه کنیم ببینیم "ضرورت تغییر یا تدوین قانون اساسی جدید" وجود دار یا نه؟ اگر جواب مثبت بود؛ برای تشکیل "مجلس مؤسسان" انتخابات کنیم و بعد آن مجلس برود متن جدید قانون اساسی را بیاورد و به همه پرسه دیگری بگذارد. اینها راه کنترل بحران از نظر موسوی است.

خاتمی هم همین را میخواهد اما در این حد هم نمیگوید. او می پذیرد "اصلاح طلبی اگر نگوییم منتع شده است دست کم به صخره ستنبر بن بست برخورد کرده است" اما قانون اساسی موجود را دارای ظرفیتهای زیاد میدانند. نهایتاً خاتمی روضه های تکراری اصلاح خامنه ای و شورای نگهبان و رویه های قضائی و آزادی برای خودی ها در چهارچوب نظام را میخواند. البته هر دو تکرار میکنند که کسی گوشش بدهکار این حرفها نیست و حضرات هیچکاره اند.

مطلقاً مهم نیست کدام یک از عناصر امتحان پس داده حکومتی چه میگوید، مهم اینست که جوهر حرف همه شان یکی است. آنچه اصلاح طلب و لایه ای از حاشیه حکومت می گوید با آنچه اپوزیسیون راست میخواهد یکی است. رضا پهلوی و ناسیونالیست های جمهوریخواه هم از "خدمت به کشور و ملت" میگویند و "انتخابات آزاد"، "مجلس موسسان" و "تدوین قانون اساسی" از کانسپت های محوری آنهاست. خود این عبارات بی آزار و کلی و نامعلوم در دوره انقلابی و شرایطی که نبرد برسر نفی حکومت ادامه دارد، یک نقطه سازش است، یک خاکریز عقب نشینی نظام در مقابل امواج انقلابی است. هر طرح جدی دولت موقت انتقالی اساساً به لایه ای از حکومتی ها یا مغضوبین حکومتی و نظامیان نیاز دارد و هدف مرکزی اش "کنترل اوضاع و مدیریت گذار" است. آنچه اپوزیسیون راست و بخشی از اصلاح طلبان و نیروهای حاشیه حکومت میگویند در اساس دارای یک مضمون است.

به همین دلیل اصلاح طلب و اصولگرا و حاشیه حکومتی و بیرون حکومتی و بخش مهمی از طبقه بورژوازی ایران و نیروهایش به زبان مشترکی برای کنترل و مهار خیزش انقلابی سخن میگویند. همه این نیروها در یک دولت انتقالی با دستور تغییراتی محدود و حفظ اساس چهارچوبها ذینفعند. حتی آخوندها و متولیان صنعت دین، خود خامنه ای و سپاه و نیروهای مافوق مردم، اطلاعاتی ها و امنیتی ها نیز در این روند در تقابل با سرنوشتی انقلابی ذینفعند. این منطق حرکت انقلابی است که دولت و نیروهای خواهان بقا و دوام وضع موجود را به ایجاد خاکریزهای دفاعی در پروسه انقلابی سوق میدهد. سیاست کمونیست ها و انقلابیون شکستن این نقطه سازشها و افشا و کوبیدن خاکریزهای دفاعی طبقه حاکم است که دستوری جز مهار و به شکست کشاندن انقلاب ندارد.

پیشنهادات موسوی و خاتمی و برخی دیگر قرار است حرکت انقلابی را از فیلتر "جمهوری دوم" رد کند، اما جمهوری اول همان

یادداشت ها ...

جمهوری آخر است. شماها هم از نظام تفکیک ناپذیرید. خامنه ای هم فعلا افسار نظام را دست شما نمیدهد. آنچه میماند استفاده از سر و صدای تبلیغات فسیل اصلاحات علیه خیزش انقلابی، زنده نگهداشتن اصلاحات در آی سی یو برای شرايطی است که نظام نتواند در مقابل امواج انقلاب دوام بیاورد. مشکل اینست که مردم به جمهوری اسلامی با موسوی و خاتمی رضایت نمیدهند، همانطور که به رژیم سلطنتی با فرح یا بختیار رضایت نمی دادند و ندادند. وقتی اصل نظام زیر پای مردم است، اصلاح طلب باید سوراخ موش بخرد. اینها "به صفوف انقلاب" نپیوستند، عده ای هول نشوند و ولخرجی نکنند، اینها صراحتا انقلاب را معادل "سوریه ای شدن" میدانند. آنچه دارد اتفاق می افتد اینست که حکومت زیر فشار نخواستن و رادیکالیسم جامعه از درون دچار تلاشی بیشتر میشود. هر جناح و باند حکومتی برای حاکم کردن خط مشی بقای نظام و نجات سرمایه داری ایران تلاش می کند و در این مسیر ممکن است علیه هم دست به اقدامت خشن و شبه کودتایی هم بزنند.

۷ فوریه ۲۰۲۳

انقلابیون بدلی علیه انقلاب

سلطنت طلبان و رضا پهلوی برای روز ۱۱ فوریه - ۲۲ بهمن، فراخوان تظاهرات علیه "بهمن سیاه" و "فتنه ۵۷" داده اند. اپوزیسیون راست و بورژوائی ایران از مشروطه خواه و پان ایرانیست و آریائی مسلک تا جمهوریخواه و اصلاح طلب و قوم پرست، سالیان طولانی علیه انقلاب سخن گفته اند. خیزش انقلابی همه شان را وادار کرد یک شبه "انقلابی" شوند!!!

حال این انقلابیون بدلی و منزجر از تغییرات ریشه ای بنفع مردم؛ خود را در سالروز انقلاب ضد سلطنتی ۵۷ یافته اند. چطور میشود از یک حرکت انقلابی دفاع کرد و همزمان علیه حرکت انقلابی مشابهی بود؟ آنها خیزش انقلابی جاری را "ملی" و ناسیونالیزه میکنند تا علیه انقلاب مشابهی که تومارشان را سال ۵۷ در هم پیچید جد و جهد کنند.

کسانی که کمپین "ما اشتباه کردیم که انقلاب کردیم" در سال گذشته راه انداختند و "عقل نداشتن" خود را زیر سوال بردند، بیخود می کنند خود را به خیزش انقلابی جاری می چسبانند. و جالب است که هدف اصلی این کمپین کوبیدن چپ جامعه و نفس انقلاب و نسبت دادن دروغ حمایت چپ از خمینی و جریان اسلامی بوده است. در صورتی که ما کمونیست ها از روز اول علیه خمینی ایستادیم و اتفاقا همین اصلاح طلبان و ناسیونالیست ها و جبهه ملی و "دگراندیشان" امروز بودند که در آنروزها در رکاب خمینی شمشیر میزدند. حالا بازندگان و برندگان آن ماجرا مجددا به هم رسیدند.

رضا پهلوی که طرفدار اصلاحات و جنبش سبز بود و با سپاه و بسیج و آخوند حکومتی حشر و نشر دارد، امروز با نیروهای هوادار و کادر جنبش اسلامی و خمینی به جنگ چپ و انقلاب آمده است. در جامعه وارونه بورژوائی، حقیقت و روایت تاریخی و سیاست و انقلابیگری وارونه است. اما مبارزه طبقاتی بیرحم تر از آنست که به این بندبازی ها فرجه زیادی بدهد و چهره واقعی انقلابیون بدلی را از جریانات انقلابی و آزادیخواهانه تمیز میدهد. انقلابیون بدلی ما هم که نفرت شان از انقلاب شهره آفاق است، در همین روزها خود را لخت و عور در مقابل چشم کسانی میگذارند که عادت به فراموشی دارند.

#مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر

#انقلاب اجتماعی

#انقلاب ۱۴۰۱

۷ فوریه ۲۰۲۳

دو تظاهرات با دو هدف

امروز ۸ فوریه در حمایت از خیزش انقلابی و جنبش کارگری ایران، تظاهراتی توسط اتحادیه های کارگری در کشورهای اروپا برگزار میشود.

روز ۱۱ فوریه به فراخوان سلطنت طلبان و راستهای مونتلف شان، تظاهرات علیه انقلاب بهمن ۵۷ برگزار میشود.

دو طبقه با دو هدف متضاد، اولی در حمایت از کارگر و انقلاب و دومی در تقابل با انقلاب بهمن و در تلاش برای شکست خیزش انقلابی جاری.

صف تان را معلوم کنید، با کارگران و امر انقلاب برای آزادی و برابری هستید یا علیه آنها؟

۸ فوریه ۲۰۲۳



فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی!



زلزله های ویرانگر از خوی تا ترکیه و سوریه!

پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

روز دوشنبه دو زمین لرزه شدید با قدرت هفت و نیم ریشتر مناطق وسیعی از جنوب ترکیه و شمال غرب سوریه را لرزاند و سبب خسارات و تلفات بسیاری شده است. این زمین لرزه در ایران، عراق و لبنان نیز احساس شد. بر طبق گزارشات اولیه، تاکنون حدود ده هزار نفر کشته و دهها هزار نفر مجروح و مصدوم شده اند و آمار تلفات، ساعت به ساعت در حال افزایش است. رژیم ترکیه از جامعه جهانی تقاضای کمک فوری کرده و تاکنون حدود هفتاد کشور و بیست نهاد بین المللی به آن پاسخ مثبت داده اند.

یکی از مناطق به شدت آسیب دیده در سوریه، بخش هایی است که تحت کنترل مخالفین جهادپست دولت سوریه است. به گزارش سازمانهای امداد رسانی سازمان ملل، این گروه مخالفین مانع ورود امداد رسانی به این منطقه هستند که طی جنگ داخلی دهساله با رژیم بشار اسد دچار ویرانی های عظیم و فقر و فلاکت بسیار شده اند و این زمین لرزه وضعیت مردم ساکن این مناطق را بسیار اسفبارتر کرده است و عملاً از امداد رسانی و کمکهای بین المللی خبری نیست.

حدود دو هفته پیش نیز زمین لرزه ای به قدرت شش ریشتر شهر خوی و مناطق اطراف را لرزاند و هزاران نفر از مردم این منطقه را در سرمای شدید زمستان، بی خانمان کرد. درماندگی کامل رژیم اسلامی در امداد رسانی فوری به زلزله زدگان خوی، صدای اعتراض مردم این منطقه و کل مردم ایران را برانگیخت. این رژیم درمانده حتی موانع بسیاری برای جلوگیری از ارسال کمکهای مستقل مردمی ایجاد نمود و به جای گسیل نیروهای امدادگر و ایجاد سرپناه و تهیه وسایل گرمای و کمکهای غذایی و بهداشتی وسیع، یگان ویژه ضدشورش را اعزام منطقه نمود و برای متفرق کردن مردم معترض از ماشین آب پاش استفاده کرد. با این همه و با وقاحت ادعا میکند که در روزهای اخیر کمکهای زیادی به ترکیه و سوریه فرستاده است.

فجایع ناشی از وقوع زمین لرزه در ایران و ترکیه و سوریه و ... بار دیگر نشان میدهد که رژیم های سرمایه داری و ارتجاعی، اهمیتی به حفظ جان مردمان خود نمی دهند. بشر اگرچه تاکنون قادر به جلوگیری از وقوع رویدادهای طبیعی مثل زمین لرزه نشده است، اما قادر بوده و هست که با رعایت استانداردهای ساختمان سازی و مقاوم سازی آنها در برابر زمین لرزه های شدید، جلوی ویرانی و مهمتر از آن جلوی تلفات انسانی وسیع را بگیرد. اما شرکتهای ساختمان سازی و بورژوازی مسکن در راستای کسب حداکثر سود و کاهش هزینه ها، سعی میکنند به شیوه های مختلف از رعایت استانداردهای ایمنی طفره برونند و در این میان، رژیم های ارتجاعی و بوروکراسی دولتی فاسد و رشوه گیر نیز در خدمت آنهاست تا با جان و مال میلیونها انسان بازی کنند. ضمن اینکه خرافات مذهبی نظیر اینکه زمین لرزه "مشیت و آزمون الهی" است و غیره نیز به مدد رژیم های ضد مردمی و ارتجاعی می آید تا بی



عرضگی و درماندگی خود را برای حفظ جان شهروندان توجیه کنند.

پیشرفت های علمی در امر ساختمان سازی در شماری از کشورها، نشان داده که میتوان ساختمان هایی بنا نمود که براحتی بتوانند زمین لرزه ای با قدرت ده ریشتر را نیز تحمل کنند. بنابراین اگر جلوی زمین لرزه را نمیتوان گرفت، جلوی خسارات و فجایع انسانی ناشی از آنرا میتوان گرفت و این بدون مبارزه با سودپرستی نظام سرمایه و دولتهای فاسد پشتیبان آنها میسر نیست.

ما ضمن تاکید بر این حقیقت و ضرورت تشدید مبارزه با مافیای مسکن و بوروکراسی فاسد، معتقدیم آنچه اکنون میلیونها زلزله زده در ترکیه و سوریه و از جمله خوی نیاز دارند، گسیل وسیع کمک های غذایی و بهداشتی، تامین سرپناه برای مردم آواره و زلزله زده و اعزام فوری امدادگران آموزش دیده از سراسر جهان است تا بتوانند هزاران نفری را که در زیر آوار گیر کرده اند نجات دهند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن همدردی عمیق با خانواده های قربانیان زلزله های اخیر، خواهان همبستگی جهانی برای کمک به مردم زلزله زده است که میلیونها نفر از آنها به کمکهای فوری نیاز دارند. بدون ارسال کمکهای فوری و گسترده، تراژدی هولناکی در انتظار مردمان این مناطق خواهد بود.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۱۹ بهمن ۱۴۰۱ - ۸ فوریه ۲۰۲۳

کمونیسم تنها راه نجات بشریت است!

شورای هاوکاری هیزه چپ و کمونیستهکان له کوردستان

پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در کردستان بمناسبت زلزله اخیر

دو روز گذشته زلزله‌ای با شدت بیش از ۷ درجه ریشتر در بخش‌هایی از ترکیه و سوریه فاجعه انسانی را بدنبال داشت و هزاران جانبخته و مجروح و مفقود داشته است. قبلا زلزله دیگری در همین مناطق در ایران و در شهر خوی رخ داد که هزاران نفر را بی خانه و کاشانه کرد و کشته و زخمیهای زیادی بجا گذاشت. ما با بازماندگان جانباختگان این اتفاق عمیقاً ابراز همدردی میکنیم.

میدانیم که زلزله یکی از رویدادهای مخرب طبیعی است که انسان در آن نقشی ندارد اما توان مهار آن و کاستن از میزان تخریب و عوارض آن را دارد و همزمان در خیلی از نقاط جهان برای کاهش خسارات زلزله اقدامات مؤثری انجام گرفته است.

متأسفانه مردمان محروم و کم درآمد جوامع هستند که در زیر این آوارها جان میدهند. هیچ کس نمیتواند انکار کند که در ساختن بناهای غیر استاندارد در کشورهایی مانند ایران، ترکیه، افغانستان و سوریه و... این مقامات دولتی و سرمایه داران هستند که بانی چنین تصمیماتی هستند. این امر مبرهنی است که هیچ نظارت مهندسی با استانداردهای امروزی و با ویژگی مناطق زلزله خیز وجود نداشته است که امروز ما شاهد این فجایع هستیم. تا زمانی که زندگی انسان تحت تسلط دولتهای سودجو و غیر مسئول باشد آنها در جهت سودآوری خود، زندگی مردم را همچنان قربانی خواهند کرد.

جبران خسارات و تامین زندگی و معیشت مردم برای گذر از این فضای وحشت و برگشتن به زندگی عادی تماماً به عهده دولتهای حاکم در این کشورها است. مردم باید برای کسب این مطالبه بر حق خود از هیچ کوششی فرو گذار نکنند. دولت‌ها مسئول تامین امداد، مسکن و امکانات لازم برای زلزله‌زدگان هستند. دولت‌ها و تمام مسئولین ساخت و ساز اماکن تخریب شده و جانهای از دست رفته باید محاکمه شوند و پاسخگوی پیامد سیاست و اعمالشان باشند.

ما، اعضای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، خود را شریک غم بازماندگان و خانواده‌های قربانیان میدانیم و ضمن ابراز همدردی و تسلیت به بازماندگان این فاجعه، آرزوی بهبودی مجروحان و نجات جان عزیزان بجامانده در زیر آوار را داریم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۸ فوریه ۲۰۲۳

قلب یک کمونیست دیگر از طیش افتاد!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در باره مرگ عیسی جمشیدی



با اندوه فراوان مطلع شدیم که رفیق عیسی جمشیدی یار دیرینه کارگران و مردم زحمتکش جنوب کردستان، از رهبران و فرماندهان با سابقه حزب کمونیست ایران و کومله امروز شنبه ۴ ژانویه ما را تنها گذاشت.

عیسی جمشیدی انسانی خوشنام و لایق مردم زحمتکش، و بخش اعظم زندگی پربار خود را وقف مبارزه برای حصول اهداف انقلابی و رهایی جامعه از نکبت سرمایه داری و مقابله با ظلم و ستم و رژیم جنایتکار اسلامی کرد. زندگی سیاسی رفیق عیسی مملو است از فداکاری و جسارت و کاردانی و این خصوصیات رفیق عیسی را به فرماندهی مورد اعتماد نزد رفقایش مبدل کرده بود. یقیناً یاد فداکاریهای رفیق عیسی در دل مردم زحمتکش منطقه باقی خواهد ماند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست مرگ رفیق عیسی جمشیدی را به خانواده و بستگان و رفقای حزب کمونیست ایران و کومله تسلیت می گوید. یاد عزیزش گرامی و راهش پررهرو باد!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۴ فوریه ۲۰۲۳



قسمم به خون یاران
ایستاده ایم تا پایان



وقت عزای نیست که هنگامه خشم است

وقت عزای نیست که هنگامه جنگ است

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اطلاعیه سازمان مرکزی کارگران سوئد (ال.او)

در مورد فراخوان ۸ فوریه آکسیون بین المللی در همبستگی با کارگران ایران!

یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱

نظاره گر باشد

کارگران ایران شایسته حمایت پیگیر ما هستند.

ما خواستاریم:

• آزادی بی قید و شرط و فوری کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی

• پایان دادن به آزار و اذیت و تعقیب فعالین کارگری

• ایران باید حق ایجاد تشکل های مستقل و آزاد طبق مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار و ماده ۲۳ سازمان ملل در مورد حقوق بشر را به رسمیت بشناسد.

• اروپای متحد و دیگر نهادهای بین المللی باید حمایت بی قید و شرط خود را از خواست مردم ایران برای دموکراسی و حقوق بشر را نشان بدهند.

۳ فوریه ۲۰۲۳ – سازمان مرکزی کارگران سوئد (ال.او).

روز هشت فوریه همه اتحادیه های کارگری در جهان همبستگی خود را با کارگران ایران در مبارزه برای شرایط انسانی کار و آزادی تشکل به نمایش می گذارند.

اتحادیه های آزاد کارگری در ایران برای حق ایجاد تشکل های مستقل و آزاد بر اساس مقاله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار در مورد آزادی تشکل و ماده ۲۳ سازمان ملل در مورد حقوق بشر به حمایت بین المللی اضطراری نیاز دارند. حقوقی که امروز در ایران از آن ها سلب میشود. آن ها همچنین به حمایت ما در مبارزه برای دریافت حقوق معوقه، علیه قرارداد های ناپایدار شغلی و خصوصی سازی مخرب نیاز دارند.

ما همچنین همبستگی خود را با جنبش اعتراضی فمینیستی زن، زندگی، آزادی که در آن کارگران جایگاه مهمی دارند اعلام می کنیم.

سازمان مرکزی کارگران سوئد (ال.او) که نماینده ۱۴ اتحادیه کارگری و دارای ۴ میلیون عضو میباشد؛ همچنین همدردی خود را با همه کسانی که سوگوار کشته شدن صدها جوان معترض توسط رژیم جمهوری اسلامی در اعتراضات اخیر می باشند، اعلام می کند.

زمانی که خواست آزادی و دموکراسی و رعایت حقوق پایه ای حقوق بشر با خشونت وحشیانه، زندان و اعدام پاسخ میگیرد دنیا نمی تواند فقط



زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

در همبستگی جهانی با خیزش انقلابی زنانه در ایران

برای یک برابری سوسیالیستی



آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواند. از دانشگاه ها و مراکز آموزشی تا مراکز کار و محلات، از دیوارها تا بیلборدهای تبلیغاتی و بزرگراه ها، همه جا را با برافراشتن شعارهای انقلابی آزادی زن مزین کنید. مراسم و اجتماعات بمناسبت روز زن برگزار کنید. پوستره‌های جانباختگان را علیه

فراموشی وسیعاً بازنشر کنید. بر جنایت های غیرقابل بخشش حکومت و محاکمه و مجازات جنایتکاران قویاً تأکید کنید.

سرنگونی حکومت اسلامی و نظام مبتنی بر آپارتاید جنسی شرط لازم آزادی زن در ایران است. تحقق آزادی جامعه و برابری کامل زن و مرد در تمام وجوه زندگی اجتماعی، بدون سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی، بدون سرنگونی نظم مبتنی بر نابرابری و تبعیض و بردگی مزدی، بدون سرنگونی سرمایه داری ممکن نیست. ما پیروزم، در این تردیدی نباید داشت. ما پرچم جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را در ایران دفن می کنیم. پیروزی در ایران سرآغاز تحولات زیر و رو کننده در خاورمیانه و انزوای تروریسم و سلطه صنعت دین اسلام خواهد بود. طالبان و دولتهای اسلامی و استبدادی در منطقه از امواج انقلابی آزادیخواهانه و آنتی اسلامیستی نخواهند جست.

برابری یقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی!

نابود باد حکومت جنایتکاران اسلامی ضد زن!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ بهمن ۱۴۰۱ - ۱ فوریه ۲۰۲۳

برآمد توده ای و انقلابی زن محور در ایران، خیزشی که با عنوان "اولین انقلاب زنانه" جهان از آن یاد میشود، مهمترین رویداد و سوال در روز جهانی زن امسال است. برای اولین بار در کشورهای اسلام زده، زنان و مردان نسل جدید برای سرنگونی یکی از دژهای قدرتمند ارتجاع ضد زن بپاخواستند، دستجمعی حجاب اسلامی را آتش زدند و به سمبل ها و نمادهای قدرت حاکمیت اسلامی هجوم بردند. جنبشی که ۴۴ سال پیش علیه فرمان حجاب خمینی شعارهای: "نه به حجاب اسلامی" و "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" را سرداد و به خونین ترین شکل سرکوب شد، در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در قامتی بلند بمیدان آمد، منشأ امید و همبستگی داخلی و جهانی شد و بر نقش کلیدی زنان در سرنگونی حکومت های اسلامی تأکید کرد.

برابری طلبی، آنتی اسلامیسم و رادیکالیسم در تفکر و عمل، یک گرایش قدرتمند خیزش انقلابی زنانه در ایران است. این خصوصیات به سنت سوسیالیستی ۸ مارس تعلق دارد. امروز راه حل سوسیالیستی مسئله زن به راه حل سوسیالیستی نجات جامعه ایران گره خورده است. زنان و مردان جوان که با گلوله سرکوبگران یا تحت شکنجه در زندانها جانباختند، صفی از دهها میلیون انقلابی اند که از اسلام و آخوند این منادیان فقر و تبعیض بیزارند و آمده اند تا به کابوس حکومت اسلامی پایان دهند. هیچ سازشی ممکن نیست، هیچ راه برگشتی وجود ندارد، جمهوری اسلامی باید برود.

حزب کمونست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و در خیزش انقلابی جاری است. سیاست حزب حکمتیست و جنبش آزادی زن در ایران، تقویت روندهای سکولار و برابری طلب و سوسیالیستی و حمایت از مبارزه انقلابی زنان و مردان برای رهائی از سلطه اسلام سیاسی است.

حزب کمونست کارگری - حکمتیست روز زن را به زنان و مردان برابری طلب جهان تیریک میگوید. فراخوان ما به جنبش حقوق زن در کشورهای مختلف اینست که روز ۸ مارس ۲۰۲۳ را با ابتکارات مختلف به روز همبستگی با خیزش انقلابی در ایران و هزاران زن و مرد اسیر در زندانها تبدیل کنیم. ما برای یک برابری سوسیالیستی قرن بیست و یکمی مبارزه می کنیم. این پرچم را همه جا برافرازید.

حزب کمونست کارگری - حکمتیست مردم آزادیخواه ایران را در روز جهانی زن به اعتراض عمومی علیه حکومت اسلامی با شعار محوری

آزادی زن معیار آزادی جامعه است!

هشدار عفو بین الملل:

۱۴ زندانی در خطر اعدام در بلوچستان

اسامی این ۱۴ نفر که در ارتباط با اعتراضات اخیر زاهدان به اعدام محکوم شده اند به شرح زیر است: «عرشیا تکدستان، جواد روحی، ابراهیم نارویی، کامبیز خروت، مجید کاظمی، منوچهر مهمان‌نواز، منصور دهمرده، محمد بروغنی، مهدی بهمن، مهدی محمدی‌فرد، محمد قبادلو، صالح میر هاشمی، سعید یعقوبی و شعیب میر بلوچ زهی ریگی».



آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

parvin.kaboli@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!